

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

پنجشنبه ۱۳ شهریور ۵۹ شماره ۹۷ تک شماره ۱۰ ریال

برای خروج از بحران و پیشرفت انقلاب

راه‌های مقابله با سیاست‌های امپریالیسم آمریکا علیه ایران

امپریالیسم آمریکا برای بز انودر آوردن ایران به سیاست دوگانه فشار و مذاکره روی آورده است. توطئه‌های گوناگون علیه استقلال و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران و نامه‌های نمایندگان کنگره آمریکا و دیدار سفرای کشورهای اروپائی دو نمود سیاست آمریکا برای تسلیم ایران و حل مسئله گروگانها می‌باشد. در زیر ما به ذکر دلایل این سیاست و راه مبارزه به آن میپردازیم.

راجا از نظر داخلی و جدا از نظر خارجی مورد بررسی قرار داد تا بتوان ننه تنها پاسخی دقیق و محکم در شان جمهوری اسلامی ایران به نمایندگان کنگره آمریکا داد، بلکه قادر بود در قبال سیاستهای عمومی آمریکا بقیه در صفحه ۲

گشت داده شد تا تغییرات لازم در آن داده شود سپس به کنگره آمریکا ارسال گردد. از این لحاظ اکنون کمیسیون امور خارج مجلس مشغول تنظیم جوابیه می‌باشد، ضروری به نظر می‌رسد که شرایط عمومی آمریکا

روز دهم شهریور کمیسیون وزیر امور خارج مجلس شورای اسلامی جوابیه‌ها به نمایندگان کنگره آمریکا را برای بحث و تبادل نظر به مجلس ارائه داد. بعد از بحث و تبادل نظر نمایندگان، این جوابیه به کمیسیون امور خارج باز-

دولت باید معرفت و وحدت باشد

نگاهی به برنامه اعلان شده دولت آقای رجایی

این برنامه نیست بلکه مقدمه‌ایست بر برنامه

در صفحه ۶

"مکتبی" بهانه‌ای می‌شود برای نفی تخصص و قابلیت و مدیریت و کاردانی، وقتی اما در نامه به رئیس جمهور و رهبر خود را در باره دولت "آقایان" تنها هم‌کنند و اشخاص مؤمن به انقلاب و مدیر و مدبر و فعالان انتخاب نمایند، اما این گفتار را در کمترین نه‌گروهی منعکس و برجسته می‌بینیم. این رفتارها همگی نشانه فقدان وضع روحیه وحدت طلبی و همه‌جا نیه‌نگری در مسائل است. وحدت طلبی یک جمله معتزله، یک حرکت فتنی و یک امر گذران نیست و نمی‌تواند باشد، وحدت طلب در همه زمینه‌ها از دید وحدت حرکت می‌کند و

اما این تنها در مورد تفسیر خودسرانه زسخن اما مخمینی نیست، رهنمود اما مبنی بر دولت "جوان و قاطع و مکتبی" مورد انواع برداشتهای سطحی و یکجانبه و سوءاستفاده‌ها و ناسلمسی قرار گرفته است و میگیرد، تا جایی که یکی از جرات پر شیرا "عضر با جناح" و هیا هوا علام می‌کنند که جوانترین دولت دنیا تشکیل شود با اینکه میانگین سن دولت معرفی شده ۳۳ سال است و... و آری واقعاً نظر اما در مورد جوان بودن دولت همین بود؟ یا اینکه بقول رئیس جمهور مقصود از جوان بودن انقلابی بودن از نظر فکری و روحی است (رئیس جمهور در این رابطه می‌ام

کش و قوس‌ها و رفت و آمدها عدم تلاش نخست وزیر برای معرفی کا بیننده اشتلافی و اعتقاد مصرا نه ایشان نسبت به ضرورت تشکیل یک کابینه "یکدست" می‌باشد، امری که نتایج منفی خود را هم اکنون بصورت یک بن بست آشکارا خفته است.

علیرغم وضوح تمام و بیدیهی بودن این مطلب که کلید پیروزی انقلاب ما وحدت بوده و هست و خواهد بود، چنین مشاهده می‌شود که در مواجهه با مشکلات، هستند کسانی که قادرند این اصل بنیادی انقلاب را به دست‌انرا موشی بسیار رند و با حد اقل بدان بی‌اعتنا شوند و اصول من در آوردی دیگری را جایگزین آن سازند و یا اینکه صحت اصول دیگری را حاصل برنا درستی این اصل اساسی وحدت نما یبند. چنین است که آنها با سوء تعبیر از معیار "مکتبی بودن" که توسط امام خمینی در مورد دولت مطرح گردید، به وسیله‌ای جهت نفی ضرورت تقا هم و شرکت اجسزاد مختلف جنبش اسلامی در دولت مورد استفاده قرار گرفت، تا اینکه امام در پاسخ به نامه‌های رئیس جمهور بار دیگر بر روی ضرورت تقا هم تا کیید نمودند و تقا سیر خودسرانه تعصیها

دست‌اندرکار و مسئولین به راه‌حل توافقی برسند، اما این تصمیم عادلانه مجلس که با زتاب خواست اکثریت نمایندگان برای پیوسته کردن راه‌حل‌ها و تقا هم می‌باشد نمی‌تواند این موضوع را از خاطر بزدا ید که علت اصلی این تردها و

مجلس شورای اسلامی در جلسه سه‌شنبه گذشته خود طبق رای اکثریت نمایندگان شور و تصمیم‌گیری در مورد کابینه معرفی شده توسط آقای رجایی را به بعد موکول کرده و بدین ترتیب به نخست وزیر امکان داد تا با مشاوره بیشتر با رئیس جمهور و دیگر شخصیت‌های

وحدت بزرگ یا محدود
دوره در مقابله با صهیونیسم و حامیان آن
(در حاشیه وحدت لیبی و سوریه)

این روزها صحبت از وحدت لیبی و سوریه با زارداغی پیدا کرده است، سرهنگ قذافی اعلام کرده است اگر مجلس خلقی لیبی برای این وحدت صحنه ندارد وی کنار کشیده و بصورت یک چریک ساده بجنگ اسرائیل خواهد رفت و حافظ اسد و حزب بعث سوریه با گرمی از این وحدت و آنهم با فوریت استقبال کرده‌اند. داستان وحدت و یکی شدن کشورهای عربی سابقه نسبتاً طولانی دارد. از زمان

با مبارزه در سطح بین‌المللی

گرمالین را
و اداد
به پذیرش
رسمی لغو
قرارداد
۱۹۲۱ کنیم

قریب به ۶۰ سال پیش در روز بیست و ششم فوریه ۱۹۲۱ دولت انقلابی نوپای شوروی با ایران یک موافقتنامه دوستی امضاء کرد که طی آن از کلیه امتیازات استعماری روسیه تزاری که بزور زاپرا گرفته بود، صرف نظر کرد و در عین حال در بندهای ۵ و ۶ قرارداد، ایران تعهد نمود که از زنده‌ها میریالیست‌ها از خاک ایران بعنوان پایگاه علیه دولت جوان شوروی استفا ده نماید و چنانچه ضد انقلابیونی که علیه دولت شوروی اقدام می‌کنند به داخل ایران پناه ببرند، نیروهای دولت شوروی حق تعقیب آنها را دارند. در آموقع بقایای زسزالهای تزاری و ضد انقلابیون دیگر به کمک چهارده کشور امیرالیستی علیه دولت شوروی فعالیت می‌کردند که بتدریج شکست خورده و تا رومسار شدند و در نتیجه ماده ۵ و ۶ قرارداد موضوعیت خود را از دست داد.

بعلاوه اکنون که همسازان تاریخ گذشته، تغییرات بزرگی نیز در جهان رخ داده است، شوروی امروز به یک ابر قدرت سوپرا امپریالیستی تبدیل شده که با مستمسک بدون مستمسک در امور کشورهای دیگر دخالت می‌کند، جاسوسی می‌کند کودتا می‌کند، تجاوز و لشکر کشی می‌کند. ایران امروز نیز دیگر آن کشور سابق نیست که به یا یگانه تجاوز علیه شوروی تبدیل شود، امروز این دوا بر قدرت امپریالیستی شوروی هستند که استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها را مسیور

تا مرز صومالیه جمهوری مسترکی تشکیل دادند، تا وحدت مصر و سودان و لیبی که بر روی کاغذ ماند، تا حرکت لیبی برای وحدت با تونس، طرح وحدت سال گذشته عراق و سوریه و با لایحه مرور با صلاح ضرورت وحدت عاجل لیبی و سوریه در این دوره حتی پای اردن ناشی هم در این وحدت با میان کشیده شده است. اما این وحدت با جزا ولی که آنهم با اعتبار نام و حیثیت جمال عبدالناصر چند سال یا قی ماند، بقیه همگی سرآغاز ضدیت های شدید طرفین وحدت شدند. طرح وحدت مصر، لیبی و سودان به اختلافات شدید بین کشورهای مخصوص لیبی کشیده شد، لیبی و تونس کارشان به توطئه چینی لیبی علیه تونس انجامید، عراق و سوریه وحدتشان به تشدید خصومت با بقدها در حزب بعثت حاکم در این کشورها منتهی شد و با لایحه مرور وحدت سوریه با لیبی در صحنه قرار گرفته است.

بدیهی است که ستم دوازدهمدهی که برخلاف عرب و ملت های کشورهای عربی مسلمان مختلف وارد آمده گذشته مشترک، زبان، مذهب، موقیت، تسامح حدودی منابع نفتی و موقعیت جغرافیایی این کشورها یک زمینه نزدیکی و همکاری فشرده ای را ضروری می سازد. علاوه بر همه اینها وجود دشمنان صهیونیستی و وجود خلق رانده شده فلسطین و نهضت رها بی بخش آن این نزدیکی و همکاری رانده تنها ضروری بلکه اجتناب ناپذیر و عاجل می سازد. ما در چهار جنگ گذشته اعراب با صهیونیستها، علیرغم حاکمیت حکومتی در بعضی از این کشورها که کاملاً در خدمت امپریالیسم و ارتجاع بومی قرار داشته، با هدایا به عمل پوشیدن نسبی این نزدیکی و همکاری پیوندهای در نتیجه امروز نیز در آستانه جنگ احتمالی پنجم اعراب با صهیونیستها منتظر وقوع نزدیکی و همکاری فشرده اعراب و خلق فلسطین بدون غلبه مشکلات متعدد منطبق متقابل شدن و یا تکیه داشتن یکسری از حکومت های این کشورها به امری است. امریالیستی آمریکا و شوروی - چیزی مودی نیست، بلکه حتی با پیوستن مشوق چنین نزدیکی و اتحادنه تنها میان اعراب بلکه همه مسلمانان و خلقهای منطقه علیه صهیونیسم اشغالگران این بگهای زنجیری آمریکا نیز بود.

اما چنین تحول و تشویقی هرگاه بخواد هدیه نکرده شدن جنبه ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی منجر شده و بیش پیشرفت منافع استراتژیکی ابرقدرت شوروی منتهی گردد آیا باز هم وحدتی سازنده است؟ چنین وحدتی در حد تکامل خود می تواند پذیرا زلیبی و سوریه بقیه اعراب "جبهه ی رد" یعنی یمن جنوبی (ساحلوی شوروی در جنوب شبه جزیره) و سایر فائزیدر برگیرد. عراق را هم بدلیل حرکتها و سیاستهای کنونی و هم سابقه اش در امر مشترک اعراب با این امر میتوان مستثنی نمود. چنین وحدتی در شرایط لمدادن مصر با امپریالیسم آمریکا و کنارت آمدن با صهیونیستها، وجود عربستان سعودی با کارنامه و ایستگی با آمریکا و امثالهم صورتی که واقعا این نبرد پنجم بخواد همد از حیثه کنترل و زود بندد و ابر قدرت بیرون رود، می تواند دتا دکتربین عسرب "شرقی" در برابر عرب "مرج" منجر شود. این امر نه تنها از روی دیرینه صهیونیستهاست، بلکه جای دیگرش کمک به تحکیم و تثبیت رسمی اسرائیل غاصب بمثل به یکی از با صلاح کشورهای درگیر در خاور میانه عربی است که همرا با عده ای از کشورهای با صلاح معتدل عرب در مقابل کشورهای تندرو در پی یافتن راه حل مضحک مسالمت آمیز و عقلائی مشکل اعراب و صهیونیستهاست.

آیا وضعیت عینی طوری است که وحدت قسمی اعراب را می طلبد و تکیه نکرده شدن اعراب در نبرد پنجم در برابر صهیونیستها و حاکمان امپریالیست آنها را اجتناب ناپذیر نموده؟ بهیچوجه اینطور نیست. صهیونیسم اشغالگر و غاصب چنان در سطح جهانی و بویژه کشورهای جهان سوم فشا و منفرد شده که بندرت کشوری را در جهان نمیتوان یافت که از آن حمایت کند. این فشا و انزوا در خاور میانه تکامل یافته است. هیچ حکومت مرتجع حتی مانند حکومت عربستان سعودی نمیتواند گامی در همسوئی با آمریکا در این امر بردارد. سادات با پسا گذاشتن بر "کمبیدیو" خود را در چنان شکاشی قرار داده که تنها در دنیای عرب بلکه در حضور مصر نیز بسرعیت منفور و منفرد گردید. هنگامیکه به مواضع کنفرانس کشورهای اسلامی در محکومیت صهیونیسم اشغالگر و حاکمان آن، به مواضع اخیر پاکستان در حمایت از ساف و محکوم کردن آمریکا و صهیونیستها و خواست آزادی قدس، به مواضع ترکیه، مواضع انقلابی جمهوری اسلامی ایران و حتی "اعلان جهاد عربستان سعودی برای آزاد کردن قدس، هلمه و همه بیانگرایان واقعیت است که وحدت حتمی که میخواد هد بصورت وحدت لیبی و سوریه جلوه گر گردد، محروم کردن خود از حمایت و نیروی عظیمی است.

بنابراین اگر وحدت لیبی و سوریه برای مقابله با دشمن صهیونیستی است در صورتی موفق می باشد که به اتحاد اعراب و همه نیروها و کشورهای که از امر عادلانه اعراب و فلسطین دفاع می کنند دنیا نگاه کند. والا اگر بخواد به وحدتی که به چارچوب در صحنه متقابل به مسکو و متقابل به آمریکا منجر شود چیزی که مسکو خصوصا در زیر پرچم "عرب مترقی" و "عرب مرتجع" و نه

عرب استقلال خواه و عرب وابسته طرح میکند، این وحدت هم با اولین فشار دها بر قدرت و یا توافق آنها می شکنند، و یا مشمول سرکرده گران می که میان چند کشور عربی و منجمله لیبی و سوریه مرسوم است گردیده و خود سرآغاز اختلافات شدید میان لیبی و سوریه می گردد. با میدا اینکه همه اعراب و فلسطینی ها با حمایت وسیع مردم کشورهای جهان طوما ر صهیونیسم اشغالگر در قریب خاور میانه عربی را در هم پیچند و نه تنها قدس بلکه همه زمینهای عربی و فلسطین آزاد گردند.

کوشش های وحدت طلبانه کشورهای اسلامی

نظام اقتصاد جهانی امروز تحت کنترل امپریالیستها بویژه دوا بر قدرت آمریکا و روسیه میباشد. کشورهای امپریالیستی از یکسو با استثمار خلقهای جهان سوم و از سوی دیگر با انتقال تورم و بحران خویش به این کشورها و یا تکیه بر قدرت قیمت مواد خام و با لایردن قیمت کالاها و ساخته شده بیشترین فشار استثمار را به خلقهای جهان سوم وارد میکنند. از سوئی دیگر این کشورها با صدور مظار هرفرنگ امپریالیستی خود به کشورهای جهان سوم از طریق رسانه های گروهی، به مسموم کردن اذهان خلقهای جهان سوم پرداخته و با دادن اطلاعات و اخبار غلط و تحقیر آمیز نسبت به خلقهای جهان سوم و غلو آمیز نسبت به کشورهای امپریالیستی سعی در ابدی جلوه دادن این نظام اقتصادی و فرهنگی جهانی میکنند.

از اینرو یکی از جنبه های مبارزه کشورهای جهان سوم در صحنه بین المللی همواره ایجاد نظام نوین اقتصادی از یکسو که بتواند با اعمال نفوذ کشورهای امپریالیستی و به ویژه دوا بر قدرت آمریکا، روسیه و مقابله کند، بوده است. و ایجاد شبکه های خبری و اطلاعاتی برای اشاعه و نشر اخبار واقعی فرهنگ انقلابی و دست آوردها و تجربیات و اخبار مبارزات خلقهای ایمن کشورهای دیگر در مقابل امپریالیسم و بویژه ابر قدرت آنها بوده است.

اکنون دو کنفرانس همزمان با شرکت کشورهای اسلامی در دو گوشه دنیا بمنظور مقابله با نفوذ امپریالیسم در نظام اقتصادی و شبکه های خبری جهانی تشکیل شده است. کنفرانس اول در جا کارتا پایتخت اندونزی بمنظور ایجاد شبکه خبری اسلامی تشکیل شده است و کنفرانس دوم از سوی بانکهای مرکزی کشورهای اسلامی در ریاض پایتخت عربستان سعودی بمنظور بررسی نقش ابر قدرت در تنظیم سیاست های ناعادلانه بولی و راه مقابله با آن تشکیل گردیده است. در کنفرانس جا کارتا که با شرکت بیش از ۲۰۰ هیئت نمایندگان و ناظران ۵۰ کشور تشکیل شده، حبیب شفی دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی گفت که معدودی از کشورهای پیشرفته بر حدود ۹۰ درصد امواج

رادییوی کنترل دارند و نه ده هم جمعیت جهان در ۱۰ درصد بقیه سهم هستند. وی همچنین تاکید کرد که در شرایطی که اطلاعات آزاد نسبی بین المللی خبری در مورد جهان اسلام عموما جنبه خصمانه و سراپا دروغ دارد و تحت کنترل مجافل

در جهت: ایجاد نظام نوین اقتصادی برقراری نظام نوین ارتباطات

صهیونیستی است، وظیفه ایجاد یک نظام تازه جهانی در امر ارتباطات باید طور جدی در دستور کار کشورهای اسلامی قرار گیرد. در کنفرانس ریاض که با شرکت نمایندگان ۲۷ کشور اسلامی تشکیل شده است آقای نوبی رئیس کسل بانک مرکزی ایران طی سخنرانی نقش ابر قدرت را در تنظیم سیاست های عادلانه بولی تشریح کرد و گفت متاسفانه در کشورهای اسلامی به واسطه وجود رژیم های مختلف سیاست یگانگی و اتحاد وجود ندارد و همین مسئله باعث تضییع آنها شده است. وی افزود با بدو اقلیت سیاسی را تشخیص داد و روسای بانک های مرکزی که در اساس سیاست های بولی و اقتصادی کشورهای خود قرار دارند باید همکاری های گسترده اقتصادی موجب شوند تا فاصله های سیاسی بین کشورهای اسلامی کمتر شود. وی همچنین گفت اکنون باید ایجاد نظام اقتصادی نوین و همچنین تلاش برای ایجاد شبکه های خبری مستقل از دوا بر قدرت هر روز گسترده تر میشود.

واقعیت های فوق نشان میدهد که همبستگی و وحدت کشورهای جهان سوم در زمینه ایجاد نظام اقتصادی نوین و همچنین تلاش برای ایجاد شبکه های خبری مستقل از دوا بر قدرت هر روز گسترده تر میشود. بقیه در صفحه ۲

مجلس درباره فعالیت گروه های سیاسی چگونه تصمیم میگیرد؟

گرنه انقلاب و قانون اساسی بصراحت تکلیف گروهها و فعالیت آنها معین کرده است. با اینحال طرح مسئله در مجلس رسیدگی به وضع گروه های سیاسی در صورتیکه مجلس متعهد به اجرای قانون اساسی است اشکالی در بر ندارد و حتی میتواند اقدام اولیه ای باشد در بهبود وضع پرهج و مسرج کنونی. اما این واقعیت را نمیتوان در نظر گرفت که مجلس در موقعیتی میخواهد به این مسئله رسیدگی کند که تمام سازمانها، احزاب و گروه های سیاسی بدون تمایز تحت فشار، تهدید، تحریک و اعراب مراکز قدرت هستند. دفا شروا موال آنها بشارت رفتند، نشریات قانونی هنوز با مشکلات فراوان منتشر میشوند و یا جلوسوی انتشا رویش آنها گرفته میشوند، اجازت اجتماع و فعالیت های قانونی ندارند، افراد آنها مورد حمله و ضرب و شتم قرار میگیرند، تهمت زدن و بر حسب و بیروندها از علی آنها جرایم وارد و... در عین حال این وضعیت و تحریکات ناشی از آن به عکس العمل بقیه در صفحه ۲

سازمانها، احزاب و گروه های سیاسی کشورهای تهران و شهرستانها در وضع دشواری بسر میبرند چرا که تکلیف آنها نه توسط قانون و در چارچوب آن، بلکه روز بروز توسط گروه های خودکامه مسلح و غیر مسلح و عناصر غیر مسئول تعیین میشود. میگویند تکلیف سازمانهای سیاسی را مجلس تعیین خواهد کرد. اخیرا نیز آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، برای دومین بار در محاسبه تلویزیونی خود گفت: "من فکر میکنم یکی از کارهای فوری که مجلس در پیش دارد اینست که وضع قانونی و حقوقی و تکالیف گروه های سیاسی را مشخص کنیم که هر کسی بداند در محدوده قانون چه حقوقی دارد، چا اختیاراتی دارد و این را مجلس باید بدون تاخیر دهد."

ناگفته نماند که خود این مسئله که مجلس باید تکلیف گروه های سیاسی را معین کند، توسط مراکز خودکامه قدرت که از هر فرصتی برای حمله به گروهها و دنیا تر آنها سبب استفاده کردند، پیش کشیده شد و سپس عده ای از آن پیروی کردند و

صبر صبر در راه رسیدن به بند و چو در داد ۱۹۲۱ به شوروی سوسیالیست امپریالیستی عملا این حق را می دهد که هر وقت خود متاسب تشخیص دهد ایران را تحت عنوان سرکوب ضد انقلاب و مقابله با تجا و زب خاک شوروی، مورد تاخت و تاز قرار دهد. خود تراهای جدید کرملین نیز بارها گفته اند که ایران را "خریم امنیت" خود میدادند و شوروی درست با همین دلایل و طبق قراردادها و استدلالهای مشابه با افغانستان را اشغال کرده است.

دولت جمهوری اسلامی ایران بدرستی بندهای ۵ و ۶ قرارداد دمزیبر را همزمان با لغو قرارداد ۱۹۵۹ ایران و آمریکا که به آمریکا هرگونه مداخله در ایران را میداد، لغو کرد. اما چون رهبران و مسئولین مملکتی در قبولانندن این امر به دولت شوروی کوتاهی کردند و در موافقت نمودن در مدخلات و توطئه های شوروی در ایران کوتاهی کردند و شیوه "شتر دیندی ندیدی" را در پیش گرفتند، لذا تزارهای کرملین که در این باره سکوت کردند عملا این حق را به شوروی خود محفوظ نگه داشتند و هنوز قرارداد فوق را تماما معتبر میدانند. اخیرا مسائلی اتفاق افتاده که این منظور را بر قدرت روس را برملا میسازد. از جمله یکی تفسیر جمعه گذشته را دیو مسکو بمناسبت شمت و یکمین سالگرد انتشا رسام دولت شوروی خطاب به کارگران و دهقانان ایران و دیگری نامه اندر ه گرومیکو وزیر خارجه شوروی به ما در قسط زاده وزیر امور خارجه ایران است. در هر دو نمونه از قرارداد ۱۹۲۱ بعنوان قرارداد دی که "سود طرفین" و رعایت برابری حقوق واقعی طرفین" است نام برده و قائل به حفظ اعتبار آن بوده و مسئله لغو آن از طرف جمهوری اسلامی ایران را کتان لم یکن فرض کرده است. این امر برای جمهوری اسلامی ایران خطرناک و هشدار دهنده است.

ابرقدرت در خوار نخواهند استعما رگران که خود را قیم همه عالم معرفی میکنند، مدعی است استقلال به شوروی مکان ندارد و حتی بیشتر از آن، خود را مجاز میداند نسبتا با صلاح "ترقی" و محافظت از کشورهای در برابر تاج و زات دیگران و آن کشورهای لشکر بکشند و حتی آنرا صمیمه خاک خود کند.

تفسیر را دیو مسکو چنین میگوید: "اقدامات دولت شوروی در جهت برقراری روابط حسن همجواری، که در سال ۱۹۲۱ به امضا پیمان شوروی و ایران بستنی بر اصل برابری حقوق واقعی طرفین منجر شد، نقش چشمگیری در این زمینه (مبارزه با انگلیس) ایفا کرد."

سپس پس از تمجید از مزایای قرارداد ۱۹۲۱ داد ما میدهد: "... اسرار تاریخ مناسبات شوروی و ایران موبد این مدعی است هر بار که خطری از سوی نیروهای بقیه در صفحه ۲

۲ اقدام ضروری برای حل مشکلات حمل و نقل

۱- ایجاد مدیریت کاروان و متخصص

۲- رسیدگی به خواسته‌های رانندگان

از میان مشکلات عدیده‌ای که در پیش پای انقلاب ایران قرار دارد، امروزه مسئله حمل و نقل بعنوان یکی از مهمترین آنها مطرح می‌باشد. با توجه به آمار مندرج در یکی از روزنامه‌های عصر تهران، ایران روزانه مبلغی معادل ۵ تا ۱۲ هزار دلار بابت دیرکرد تخلیه کالاهای گران‌بها، به صاحبان آنها می‌پردازد. زیرا که هنوز مسئله حمل و نقل کالاها نشده است. اکثر شرکت خصوصی حمل و نقل بعد از انقلاب توسط بنیاد مستضعفان اداره شده است. اما بنیاد پس از مدتی به علت مشکلات فراوان از جمله نداشتن تخصص و مدیریت صحیح سرپرستی شرکتها راه سازمان گسترش خدمات بازرگانی وابسته به وزارت بازرگانی سپرده است. این سازمان نیز گویا دارای همان مشکلات بنیاد است بطور مثال یکی از مسئولین یکی از این شرکتها می‌گفت که از بنیاد است. انقلاب تا بحال ۴ مدیر عوف کرده ایم و با زهم مشکل مدیریت داریم. مدیریت و اداره شرکتهای حمل و نقل به حال از اساسی ترین مسایل است. یکی از مسئولین شرکت ایران تا نکریم متقاعد است که مدیریت شرکت های حمل و نقل باید عهده دولت باشد و با نگاه بایده‌ها در امور سرمایه گذاری آن نقش داشته باشد تا بتوانند هم با سرمایه‌گذاری و مدیریت دولتی با نیمه دولتی فعالیت خود را گسترش دهند. این مسئول شرکت در مورد نقش حمل و نقل در قیمت کالاهای مصرفی شده کالاهای هزینه حمل و نقل تشکیل می‌دهد و اگر رانندگان حمل و نقل را به یاری مقابله با سیاستها...

با عملی شدن تحریم اقتصادی از طرف آمریکا، آمریکا، از آنجا که اکثر قریب به اتفاق تریلی های شرکتی ساخت آمریکا هستند، کمبود وسائل یدکی بطرز چشمگیری بر روی قیمت آنها تأثیر گذاشته است. به همین دلیل قطعات یدکی آمریکایی که از طریق دیگر کشورها وارد می‌شود تا ده برابر قیمت قبلی بیفروش می‌رسند. البته وضع بدجاده‌های ایران که خود سبب بالا رفتن اصطلاحات تریلی می‌شود خود نیز سبب بالا رفتن قیمت آنها است. از دیگر مشکلات عدم وجود سیستم بارگیری و تخلیه سریع و صحیح است. در بارها در مسائل رفاهی رانندگان در عین مهم بودن، از طرف شرکتها و دولت در نظر گرفته نشده است. اگرچه وضع در بندر عباس قدری بهتر است اما در بندر امام خمینی کمبود در این زمینه بسیار است. اضافه بر این خیل عظیمی از رانندگان، معترض خواهند بود. گرفتن کامیون هستند و این می‌تواند رانندگان ناگل راهم از ترس دچار شدن به چنین وضعی در آینده، به طرفداری آنها بگردد. مجموعه هم‌این عوامل دست به دست هم داده و مسئله حمل و نقل را با بحران مواجه ساخته است از یک طرف کالاهای در گذشتی مانده اند و از طرف دیگر هزاران راننده کامیون بر کارو هزاران کامیون خاک میخورند. از میان این مشکلات، تحمل عواقب تحریم اقتصادی اجتناب ناپذیر است، جاده‌ها هم با توجه به مشکلات دیگر کشور به نظر نمی‌رسد به این زودی نوسازی شوند، اما باید در این میان در درجه اول مسئله مدیریت شرکتهای حمل و نقل را به منظور رفعی حل کرده و مسائل رانندگان را چه از لحاظ اشتغال چه از لحاظ امکان‌های رفاهی در برآورد سرعت حل کرد تا بتدریج بتوان بر دیگر مشکلات حمل و نقل غلبه کرد.

ایران و سپس سرنگونی سوسیالیسم آمریکا را از دویا نگاه مهم محروم ساختند. این تغییرات، بویژه انقلاب اسلامی ایران که بزرگترین پایگاه آمریکا در منطقه حساس و استراتژیک خلیج فارس از جنگ وی در آورد نشان می‌دهد که آمریکا دیگر قادر نیست چون گذشته بخاطر منافع مهم و استراتژیک خود، مستقیم وارد ایران و سپس سرنگونی سوسیالیسم آمریکا را از دویا نگاه مهم محروم ساختند. این تغییرات، بویژه انقلاب اسلامی ایران که بزرگترین پایگاه آمریکا در منطقه حساس و استراتژیک خلیج فارس از جنگ وی در آورد نشان می‌دهد که آمریکا دیگر قادر نیست چون گذشته بخاطر منافع مهم و استراتژیک خود، مستقیم وارد ایران و سپس سرنگونی سوسیالیسم آمریکا را از دویا نگاه مهم محروم ساختند.

مجلس درباره ...

از صفحه اول
بعضی گروههای انحرافی و تشدید انحرافات آنها سخر شده است. همه اینها وضعیتی بدید آورده که اگر قدرت کافی نشود و شیوه‌های اصولی در پیش گرفته نشود و با لایحه اگر مدافعت کافی در تصمیمات نباشد، به نتایج نامطلوبی خواهیم رسید. در این شرایط ما تصریح می‌کنیم که نمایندگان ملت با دقت و صداقت نکات زیر را مورد توجه جدی قرار دهند:

- ۱- اصل را با ید برد ست آورده‌های انقلاب یعنی تحکیم استقلال - آزادی - عدالت اجتماعی گذاشت. کسانی که گمان می‌برند با محدود کردن و سلب آزادیها و حتی با استبداد میتوانند جلوی توطئه و خیانته ویا جلوی انحرافات را بگیرند سخت در اشتباهند. آزادی، این دست آورد انقلاب اسلامی به تکوینی وادامه انحرافات و افشای خیانت و توطئه نیز در یک مبارزه سیاسی وسیع و بسا شرکت توده‌ها امکان پذیر است.
- ۲- به تمام یزگذا ری دقیق میان گروههای سیاسی و عقاید و نظرات با ید توجه نمود. محک را با ید استقلال خواهی و خدمت به ادا مسه انقلاب دانست. در جا معما ما ننشد همه جوامع بشری عقاید و نظرات متفاوتی هستند که در خط انقلاب و در خدمت تحکیم استقلال کشورند. هر حرکتی غیر از این تفرقه آ میزاست. نظامیک خطی و یک حزبی که عده‌ای بدنیال آنند نه با واقعیات تطبیق دارد و نه در جوی آزادیخواهه امکان پذیر است. کسانی که هر عقیده غیر خودی را انحراف و یا حتی

کرملین را وادار ...

از صفحه اول
امپریالیستی، منافع حیاتی ملت ایران را تهدید می‌کند، اتحاد شوروی همواره پشتیبان همسایه جنوبی خود بوده است. تفسیر ایدیو مسکوب با اشاراتی از قبیل اینکه در بحبوحه انقلاب اسلامی ایران نیز از نظر شوروی به آمریکا مشروطه و اینکه ایران میتواند برای حفظ خود در برابر امپریالیستها به کمک همسایه شمالی امیدوار باشد، با یان می‌یابند. در نامه‌های گرومیکو به وزیر امور خارجه ایران که لحن طلبکارانه‌ای دارد، از جمله می‌خوانیم: "ما راجع به قرارداد ۱۹۲۴، با ید گفت این قرارداد اصولاً جنبه‌ای ملاحظه‌گری دارد و چند دهه‌هاست که از روزهای آن گذشته نشان داد که این بیمن سود طرفین است." گرومیکو نیز ضمن رجز خوانی درباره مزایای حمایتهای شوروی با کمال استهزا می‌نویسد: "ما

توطئه میداند دنیا اشتباه میکنند که با ید هر چه زود تر خود را تصحیح کنند و یا در فکر مقاصد دیگری هستند. در مورد انحرافات و اشتباهات سیاسی گروهها نیز با ید برای روشن شدن حقایق مبارزه با سلب آزادی سیاسی انجام داد. محدودیت تنها شامل دا رودسته‌هایی میشود که بطور محرز و وابسته به بیگانه هستند. در آن صورت نیز ضرورت افشاکاری سیاسی کماکان اساسی است.

- ۳- نمایندگان مجلس با ید مفاد قانون اساسی را که در مورد فعالیت‌های آزادی سیاسی و اجتماعی صراحت نسبی دارد در نظر بگیرند و تصمیمات جدید با ید در خدمت صراحت بیشتر آن و گسترش آزادیهای سالم سیاسی و اجتماعی باشد. با بسداز تدوین هر گونه قوانین دوپهلوسو قابل تفسیر که صراحتاً کافی نداشته باشد بیهیژن نمود.
 - ۴- تعیین تکلیف گروههای سیاسی محدود به گروههای سیاسی غیرا که کم‌کم طناً در جا معما فعالیت میکنند نیست، بلکه مجلس با ید به دستجات و گروههای خودکا مه‌یی نام که تحت سرپرستی این یا آن فرد غیر مسئول و یا حتی "مسئول" عمل میکنند و هر چه و بر خورده‌های گروهی و خیا بیانی را بوجود می‌آورند نیز رسیدگی کند.
- در این زمینه خود گروههای سیاسی انقلابی و استقلال خواه نقش مهمی دارند که هم‌خود آنها و هم مقامات مسئول با ید به این امر توجه کنند و از آن کمک بگیرند. بکوشیم تا زهر لحاظ نظم قانونی را در محیط فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی جا معما ن بجای هر چه و مرج کثونی برقرار سازیم.

ابر قدرت نوحا سته و تاجا وزگ بر ساری ملت ما بویژه برای مسئولین جمهوری اسلامی رنگ خطی است که در عین حال نشان می‌دهد کارلنویسند های ۵ و ۶ قرار داد ۱۹۲۱ هونوز بیایان رسیده است. ما نیازی نمی‌بینیم در اینجا از عملکردهای شوروی در اروپای شرقی، آفریقا (آنگولا، آریتره اتیوپی...)، خارومیا نسه، اقیانوس هند، آسیای جنوب شرقی (گامبوج) سخن بگوئیم. افغانستان پیش روی ما ست که خود تصویر کوبی و تما همی جنایات روسیه است و دیدیم چگونه آنرا توجیه کردند. مسئولان جمهوری اسلامی ایران با ید برای قبولانند لغو مواد ۵ و ۶ قرارداد ۱۹۲۱ به شوروی یک مبارزه فعال و همه‌جا نیه دیپلماتیک و سیاسی را در سطح بین‌المللی به پیش ببرند و دولت شوروی را در سطوح مختلف تحت فشار قرار دهند و از او بخواهند که لغو مواد فوق را چسبی بگردد و صریحاً آنرا بپذیرد و از ارب

دولت با ید معرف ...

از صفحه اول
می‌کوشد همه عوامل مثبت را به سود پیشبردا انقلاب جمع و متحد کند. بسر عکس، وحدت شکن در همه مسائل، انحصار طلبی و یکجانبه‌گری همیشه میکنند و تنها و منفرد باقی میمانند. اکنون مساله دولت مهمترین مساله کنونی کشور ما است و در این زمینه نیز با ید در تمام سطوح خوا هان وحدت بود: در وهله اول، دولت با ید معرف وحدت سیاسی ملت باشد. از نظر ما ایده آل، دولت اتحاد بزرگ ملی است، یعنی دولت ائتلاف سه نیروی سیاسی جا معما (اسلام مبارز، ملی گرا ئی مترقی و سوسیالیسم انقلابی) این دولتی است که سرانجام مملکت را بطور جدی از بحران نجات خواهد داد و از ادرشا هراه ترقی و سگاری به پیش خواهد راند. لیکن در شرایط کنونی که جوامع رطلبی راه رانه تنها بروسایا لیسم انقلابی با گسه حتی بر ملی گرا ئی مترقی نیستند بسته است، حداقل انتظار این است که اسلام مبارز وحدت خود را حفظ کند. و این مستلزم آنست که کسانی که از میان اسلام مبارز جماعت مکتبی را علیه همفکران اسلامی خود بلند کرده و همه نیروهای اسلامی جز خودشان را خدمتگویی و غیر مکتبی و مخالف خط امام وجه میداند و نند و میرا نند، این جماعت را به زمین گذارند و پیش از این در کار وحدت جدا قل اسلام مبارز را خلال نکنند، اگر نه مسئولیت تلاش کامل وحدت و فاجعه‌ای که این تلاش برای خلق و انقلا ب و میهن ما به بار خواهد آورد و عده‌ها بر دوش آنها خواهد ماند. اینان با ید بداند که دولت یک حزب، بیگ گروه‌ها یک دسته خاص هرگز نخواهد توانست در میان مردم ما با ید و از جانب آنان با رغبت پذیرفته شود. مردم ما صرفنظر از مسائل مربوط به قانون اساسی، هرگز نمی‌توانند دولتی را که مورد تأیید رئیس جمهور منتخب (۱۱ میلیون ایرانی نباشد مورد حمایت جدی خود قرار دهند و روشن است که بدون حمایت جدی و وسیع مردم، دولت نخواهد توانست کارزایدی از پیش ببرد. در وهله دوم، دولت با ید خصوصیات داشته‌ها شده که ما در ره نمود خود: " جوان، قاطع و مکتبی و مومن به انقلاب، مدبر و مدبر و فعال" مشخص کرده‌اند. جدا کردن این دو رهنمود از هم بیمنزله مشله‌گردن دولت خواهد بود. با این حساب: دولت با ید معرف وحدت عناصر جوان و پیرو میانه‌سال باشد تا بتوانند همه تجارب نسل مبارزه جورا در بر گیرند. ما از کسانی کهسبب بزرگترین نکته مثبت دولت معرفی شده‌را وجود وزرای بیست و چند ساله در این کابینه میداند سوال میکنیم:

عمل قابل انعطاف" بوده. بدین معنی که در هر نقطه از جهان که منافعی بخطر می افتد، بلافاصله خود را رد عمل شده و نیروی بیجا شده میگرد. تهاجم نظامی آمریکا به کره در سال ۱۹۵۰ و سپس بیا ده کردن ارتش در لبنان در سال ۱۹۵۷ و تهاجم کلاه سبزها به سنت دومینیک در سال ۱۹۶۴ و بیا ده کردن بیش از ۵۰۰۰۰۰ سرباز آمریکا بی دروینت نامطبی سالیهای دهه ۶۰ میلادی و غیره حاکی از سیاست دخالت مستقیم آمریکا در امور داخلی کشورهای دیگر و سرکوب خلقهای این کشورها برای حفظ منافعی بود. اما بتدریج که ضعف و فتور دان من امیرالایسم آمریکا را می گرفت سیاست دخالت مستقیم کننا رگذاشته شد. در ابتدا بیا ویتنام "گردن جنگ و پیتنام" و سپس بوجود آوردن ژاندارمهای منطقه ای، آمریکا به سیاست حفظ منافع خود توسط نیروهای سرکوب کره جنوبی روی آورد. طبق این سیاست که همان دکترین نیکسون است، رژیم دیمتیش شاه را نندارم منطقه خلیج فارس سدوبرای حفظ منافع آمریکا، سرکوب خلقهای ایران و منطقه را در سرلوحه کار خویش قرار داد. سپس ترتیب میگه چهره امیرالایستی آمریکا برای خلقهای جهان روشن و واضح گشت و رقابت سوسیال امیرالایسم شوروی بیا خطر اجتناب ناپذیر جنگ توسعه یافته، امیرالایسم به سیاست به اصلاح بشردوستانه معمول قبیل از جنگ بصورت "حقوق بشر" روی آورد تا در زیر پوشش با مصالح دفاع از حقوق بشر منافع امیرالایستی خود را در برابر بر قدرت تازه به دورا رسیده روسیه و جنبشهای آزادی بخش خلق های جهان حفظ نماید. اکنون امیرالایسم آمریکا از نظر داخلی در بحران شدید اقتصادی قرار دارد. این بحران از اوائل دهه ۷۰ میلادی تاکنون به درازا کشیده است و در حال حاضر هیچ چنمانند از امیدبخشی نیردر پیش روی ندارد. اکنون میلیونها رگدر آمریکا بیگاره هستند. تورم اقتصادیه پیش از ۱۸ درصد رسیده است. صنایع فولاد آمریکا در حال اضطرار و ورشکستگی قرار گرفته است و خطر بیگاره شدن حداقل ۲ میلیون نفر کارگران صنایع و اقزوده شدن برخیل ۸ میلیون بیگاره رديگر، اقتصاد آمریکا را تهدید میکند. جنبش جوانان، کارگران و سیاه پوستان علیه فشار و فقر و ستم سرمایه داران، تحماری آمریکا، تورم و فساد غیره نظام امیرالایستی را مورد تهدید قرار داده است. در دهه ۷۰ میلادی خلقهای جهان ضربات سختی به بیگاره امیرالایسم آمریکا وارد کردند. خلقهای ویتنام و ریکا و بویژه برای حل مسئله دورا نسا ز خود، دست آمریکا را از هندن و چین کوتاه کردند. انقلاب اسلامی

اکنون آمریکا از نظر بیسن المللی نیز وضع چندان خوبی ندارد متحدان اروپایی آمریکا از به اصطلاح ناپیگیری و عدم ناطعیست هیئت حاکمه آمریکا سرخورده شده و برای حل مسائل اساسی خود راه جدا گانه و مستقلی را انتخاب کرده اند. پیروزی جنبش های آزادی بخش، خلقهای جهان بتدریج افسانه قدرتی آمریکا را بخاک سپرده است. گروهان نگیری اعفاء "لانسه جاسوسی آمریکا" در ایران نیز ضربه بزرگی به حیثیت آمریکا وارد آورد. این عمل نشان داد که آمریکا دیگر توانایی یک عکس العمل قاطع و سریع را ندارد. آمریکا در ابعث خود را از راه های خارجی ایران در بانک های آمریکا بپرا فیلط نمود. سپس پیشنها دمحا صره افتخار دی ایران را به سا زمان طیل داد که مرده صوبل قرار گرفت. آنگاه آمریکا تسلین نمود که متحدان اروپایی خود را راضی کند تا به محاصره اقتصادی ایران دست بزنند. اما دوگانگی سیاست کارتر و شکست تهاجم نظامی آمریکا در طرس و عربان شدن بیشتر ضعف و فتور آمریکا، اروپای غربی را واداشت که در مورد ایران عملی کاری دست نزنند و به انتظار بنشینند بدین ترتیب محاصره اقتصادی ایران تشنه عکس العمل جهانی آمریکا در مقابل مسئله گروهان نگیری بود نیز بنا فرجام ماند. در جنبش واقعی است که اعضای کنگره آمریکا به مجلس شورای اسلامی ایران نامه مینویسند و خواهان حل مسئله گروهان نیا میشوند. این عمل خود حکایتگر ناسوانی و ضعف عمومی آمریکا و درگیری بین المللی است. در حالی که درگیری بین المللی میباشند. از سونی دیگر این عمل نشان میدهد که آمریکا در مقابل ایران بیگانه است. سیاست آمریکا در مقابل ایران سیاست فشار و مذاکره میباشند. هم مذاکره و هم جنگ سیاستی بود که امیرالایسم آمریکا در رابطه با حل مسئله ویتنام بکار گرفت. در اوایل دهه ۷۰ میلادی در حالیکه مذاکرات صلح ویتنام در پاریس در جریان بود، فشار ارتش آمریکا بر خلق ویتنام از طریق بمبارانهای هوایی مین گذاری سواحل ویتنام و جنگ های فرسایشی زمینی شدت افزایش می یافت. آمریکا سعی میکرد از طریق فشارهای نظامی، در مذاکرات امتیازات بیشتری گرفته و مسئله را بانبفع خویش شمله دهد. جنبش سیاسی که ناشی از ضعف آمریکا و نندیده گشتن روحیه انقلابی خلق ویتنام بود بالاخره بشکست انجامید. اکنون امیرالایسم آمریکا نیز سیاست فشار و مذاکره را در مقابل ایران و بویژه برای حل مسئله گروهان نیا در پیش گرفته است. اما این سیاست در مورد ایران بشکل

عمل شدد. اکنون آمریکا از نظر بیسن المللی نیز وضع چندان خوبی ندارد متحدان اروپایی آمریکا از به اصطلاح ناپیگیری و عدم ناطعیست هیئت حاکمه آمریکا سرخورده شده و برای حل مسائل اساسی خود راه جدا گانه و مستقلی را انتخاب کرده اند. پیروزی جنبش های آزادی بخش، خلقهای جهان بتدریج افسانه قدرتی آمریکا را بخاک سپرده است. گروهان نگیری اعفاء "لانسه جاسوسی آمریکا" در ایران نیز ضربه بزرگی به حیثیت آمریکا وارد آورد. این عمل نشان داد که آمریکا دیگر توانایی یک عکس العمل قاطع و سریع را ندارد. آمریکا در ابعث خود را از راه های خارجی ایران در بانک های آمریکا بپرا فیلط نمود. سپس پیشنها دمحا صره افتخار دی ایران را به سا زمان طیل داد که مرده صوبل قرار گرفت. آنگاه آمریکا تسلین نمود که متحدان اروپایی خود را راضی کند تا به محاصره اقتصادی ایران دست بزنند. اما دوگانگی سیاست کارتر و شکست تهاجم نظامی آمریکا در طرس و عربان شدن بیشتر ضعف و فتور آمریکا، اروپای غربی را واداشت که در مورد ایران عملی کاری دست نزنند و به انتظار بنشینند بدین ترتیب محاصره اقتصادی ایران تشنه عکس العمل جهانی آمریکا در مقابل مسئله گروهان نگیری بود نیز بنا فرجام ماند. در جنبش واقعی است که اعضای کنگره آمریکا به مجلس شورای اسلامی ایران نامه مینویسند و خواهان حل مسئله گروهان نیا میشوند. این عمل خود حکایتگر ناسوانی و ضعف عمومی آمریکا و درگیری بین المللی است. در حالی که درگیری بین المللی میباشند. از سونی دیگر این عمل نشان میدهد که آمریکا در مقابل ایران بیگانه است. سیاست آمریکا در مقابل ایران سیاست فشار و مذاکره میباشند. هم مذاکره و هم جنگ سیاستی بود که امیرالایسم آمریکا در رابطه با حل مسئله ویتنام بکار گرفت. در اوایل دهه ۷۰ میلادی در حالیکه مذاکرات صلح ویتنام در پاریس در جریان بود، فشار ارتش آمریکا بر خلق ویتنام از طریق بمبارانهای هوایی مین گذاری سواحل ویتنام و جنگ های فرسایشی زمینی شدت افزایش می یافت. آمریکا سعی میکرد از طریق فشارهای نظامی، در مذاکرات امتیازات بیشتری گرفته و مسئله را بانبفع خویش شمله دهد. جنبش سیاسی که ناشی از ضعف آمریکا و نندیده گشتن روحیه انقلابی خلق ویتنام بود بالاخره بشکست انجامید. اکنون امیرالایسم آمریکا نیز سیاست فشار و مذاکره را در مقابل ایران و بویژه برای حل مسئله گروهان نیا در پیش گرفته است. اما این سیاست در مورد ایران بشکل

بسیار بدمیسی میسویست. ب میوان جدی گمان کرد که اگر اتحاد شوروی نبود جمهوری اسلامی ایران از پشتیبانی مجدد آن برخوردار نبود، امیرالایسم آمریکا تلاش نمیکرد انقلاب ایران را بزور متلاشی سازد...". تمام موارد و نکات فوق بیا توجه به ماهیت و عملکردهای این گوش های وحدت... از صفح اول برقراری یک نظام تازه جهانی در ارتباطات از دیرباز مورد توجه کشورهای جهان سوم بوده است. اکنون که کشورهای اسلامی در این مرزبیشدم شده و برای درهم شکستن انحصار شبکه های خبری برکنی و خبرگزاری امیرالایستی و سوسیال امیرالایستی همست گماشته اند، شایسته است که بعنوان امری فدا امیرالایستی مورد تائید قرار گیرد. زیرا یک خبرگزاری مستقل از دوا بر قدرت و محافیل صهیونیستی میتوا نندبه نشراخبار صحیح کمک کرده و مقدمه ای باشد متحدان اروپایی آمریکا و بعضی از جناح های هیئت حاکمه آمریکا معتقدند که فشار زیاد از حد بر ایران باعث خواهد شد که ایران بطرف روسیه سوق داده شود. بنا نیا چنا چیا مصالح طلب آمریکا، مردموسا بر خلقهای جهان خواهان حل مسئله گروهان نیا از طریق مسالمت آمیزی باشند. هیئت حاکمه آمریکا نیز تحت فشار افکار عمومی آمریکا و جهان مجبور به اتخاذ روش حداقل در ظاهر و مسالمت آمیزی باشند. بدین ترتیب سیاست دوگانه فشار و مذاکره عملا توسط آمریکا بحرحله اجرا گذاشته میشود. اکنون با توجه به دلائل اصلی سیاست دوگانه فشار و مذاکره آمریکا در مقابل ایران و بویژه حل مسئله گروهان نیا، میتوان سیاست عمومی ایران را در مقابل آمریکا تعمیم داد. شوران جمهوری اسلامی ایران به نما یندگان کنگره آمریکا داد. بدین معنی است که هرگونه فشار، تهدید و مذاکره در مورد خلقی کشور را بایده بشدیدترین وجهی پاسخ گفت. بدین معنی که با هوشیاری و آماردگی گام هرگونه توطئه ای را در منطقه خفه کرد و به آمریکا اجازه نداد که با جنگ فرسایشی ایران را به زانودر آورد. آمریکا علاوه بر طرح توطئه های داخلی، سعی دارد با انفرادگامل ایران در محنه سیاست جهانی و به وجود آوردن شرایط قطع روابط ایران با سایر کشورها، زمینه را برای تحقق تحریم اقتصادی فراهم آورد. از این رو بایده گسترش روابط اقتصادی جهان سوم بویژه در این کشورها مستحکم نمود و طرح انفراد ایران را خنثی

بسیار بدمیسی میسویست. ب میوان جدی گمان کرد که اگر اتحاد شوروی نبود جمهوری اسلامی ایران از پشتیبانی مجدد آن برخوردار نبود، امیرالایسم آمریکا تلاش نمیکرد انقلاب ایران را بزور متلاشی سازد...". تمام موارد و نکات فوق بیا توجه به ماهیت و عملکردهای این گوش های وحدت... از صفح اول برقراری یک نظام تازه جهانی در ارتباطات از دیرباز مورد توجه کشورهای جهان سوم بوده است. اکنون که کشورهای اسلامی در این مرزبیشدم شده و برای درهم شکستن انحصار شبکه های خبری برکنی و خبرگزاری امیرالایستی و سوسیال امیرالایستی همست گماشته اند، شایسته است که بعنوان امری فدا امیرالایستی مورد تائید قرار گیرد. زیرا یک خبرگزاری مستقل از دوا بر قدرت و محافیل صهیونیستی میتوا نندبه نشراخبار صحیح کمک کرده و مقدمه ای باشد متحدان اروپایی آمریکا و بعضی از جناح های هیئت حاکمه آمریکا معتقدند که فشار زیاد از حد بر ایران باعث خواهد شد که ایران بطرف روسیه سوق داده شود. بنا نیا چنا چیا مصالح طلب آمریکا، مردموسا بر خلقهای جهان خواهان حل مسئله گروهان نیا از طریق مسالمت آمیزی باشند. هیئت حاکمه آمریکا نیز تحت فشار افکار عمومی آمریکا و جهان مجبور به اتخاذ روش حداقل در ظاهر و مسالمت آمیزی باشند. بدین ترتیب سیاست دوگانه فشار و مذاکره عملا توسط آمریکا بحرحله اجرا گذاشته میشود. اکنون با توجه به دلائل اصلی سیاست دوگانه فشار و مذاکره آمریکا در مقابل ایران و بویژه حل مسئله گروهان نیا، میتوان سیاست عمومی ایران را در مقابل آمریکا تعمیم داد. شوران جمهوری اسلامی ایران به نما یندگان کنگره آمریکا داد. بدین معنی است که هرگونه فشار، تهدید و مذاکره در مورد خلقی کشور را بایده بشدیدترین وجهی پاسخ گفت. بدین معنی که با هوشیاری و آماردگی گام هرگونه توطئه ای را در منطقه خفه کرد و به آمریکا اجازه نداد که با جنگ فرسایشی ایران را به زانودر آورد. آمریکا علاوه بر طرح توطئه های داخلی، سعی دارد با انفرادگامل ایران در محنه سیاست جهانی و به وجود آوردن شرایط قطع روابط ایران با سایر کشورها، زمینه را برای تحقق تحریم اقتصادی فراهم آورد. از این رو بایده گسترش روابط اقتصادی جهان سوم بویژه در این کشورها مستحکم نمود و طرح انفراد ایران را خنثی

بسیار بدمیسی میسویست. ب میوان جدی گمان کرد که اگر اتحاد شوروی نبود جمهوری اسلامی ایران از پشتیبانی مجدد آن برخوردار نبود، امیرالایسم آمریکا تلاش نمیکرد انقلاب ایران را بزور متلاشی سازد...". تمام موارد و نکات فوق بیا توجه به ماهیت و عملکردهای این گوش های وحدت... از صفح اول برقراری یک نظام تازه جهانی در ارتباطات از دیرباز مورد توجه کشورهای جهان سوم بوده است. اکنون که کشورهای اسلامی در این مرزبیشدم شده و برای درهم شکستن انحصار شبکه های خبری برکنی و خبرگزاری امیرالایستی و سوسیال امیرالایستی همست گماشته اند، شایسته است که بعنوان امری فدا امیرالایستی مورد تائید قرار گیرد. زیرا یک خبرگزاری مستقل از دوا بر قدرت و محافیل صهیونیستی میتوا نندبه نشراخبار صحیح کمک کرده و مقدمه ای باشد متحدان اروپایی آمریکا و بعضی از جناح های هیئت حاکمه آمریکا معتقدند که فشار زیاد از حد بر ایران باعث خواهد شد که ایران بطرف روسیه سوق داده شود. بنا نیا چنا چیا مصالح طلب آمریکا، مردموسا بر خلقهای جهان خواهان حل مسئله گروهان نیا از طریق مسالمت آمیزی باشند. هیئت حاکمه آمریکا نیز تحت فشار افکار عمومی آمریکا و جهان مجبور به اتخاذ روش حداقل در ظاهر و مسالمت آمیزی باشند. بدین ترتیب سیاست دوگانه فشار و مذاکره عملا توسط آمریکا بحرحله اجرا گذاشته میشود. اکنون با توجه به دلائل اصلی سیاست دوگانه فشار و مذاکره آمریکا در مقابل ایران و بویژه حل مسئله گروهان نیا، میتوان سیاست عمومی ایران را در مقابل آمریکا تعمیم داد. شوران جمهوری اسلامی ایران به نما یندگان کنگره آمریکا داد. بدین معنی است که هرگونه فشار، تهدید و مذاکره در مورد خلقی کشور را بایده بشدیدترین وجهی پاسخ گفت. بدین معنی که با هوشیاری و آماردگی گام هرگونه توطئه ای را در منطقه خفه کرد و به آمریکا اجازه نداد که با جنگ فرسایشی ایران را به زانودر آورد. آمریکا علاوه بر طرح توطئه های داخلی، سعی دارد با انفرادگامل ایران در محنه سیاست جهانی و به وجود آوردن شرایط قطع روابط ایران با سایر کشورها، زمینه را برای تحقق تحریم اقتصادی فراهم آورد. از این رو بایده گسترش روابط اقتصادی جهان سوم بویژه در این کشورها مستحکم نمود و طرح انفراد ایران را خنثی

دیداری از: روستای

«استرآباد محله و پائین رستم» (قائم شهر)

میروند، در صورتیکه آب رودخانه، غیر بهداشتی و پیرا زلجن است و عامل انواع بیماریها و با توجه به اینکه آب آن برای آشامیدن همباید مورد استفاده قرار بگیرد. خیلی از بچه های دانش آموز در امتحانات تجدیدی آورده اند، ولی در تابستان به علت تعطیل بودن مدارس هیچگونه تماسی با کتابهای درسی ندارند و به همان خدایا شده اند.

درد دل دهقانان:

دهقانها میگویند: "بیشترین دردمان سال به خاطر درگیریهای است که به خاطر امر کشاورزی داریم. اکثر زمینهای آبی که مختص کشت برنج است داریم، ولی به علت فرارسیدن تابستان و کمبود آب، محصولاتمان در حال خشک شدن و نابودی قرار گرفته است. چندین بار به اداره کشاورزی وجهه های کشاورزی مراجعه کرده ایم ولی آنها هیچ کاری نتوانستند برای ما انجام بدهند ما خودمان هم نمی توانیم چاه عمیق حفر کنیم.

دهقانان می گویند: "از یک طرف بابت آبی مواجه هستیم و از طرف دیگر مدتی است که با آفت برنج یعنی کرم ساقه خوار و آفات دیگر مواجه شده ایم. تهیه سم برای دفع آفت بطوریکه بتوانیم از آفات منبذ کنیم مکان ندارد، فقط تنها منبع دریافت آن اداره کشاورزی میباشد ولی آنها مدتی است که در دادن سم برایمان اشکال ایجاد می کنند. اینک به مقدار کافی نمی توانند در اختیار ما بگذارند. در زمان رژیم سابق برایمان راحت تر بود و همیشه سم به اندازه کافی در اختیار ما طلب و بابت آن هیچگونه پولی از ما طلب نمی کردند ولی امسال اداره کشاورزی می خواهد در مقابل سمی که به ما میدهد مقدار پولی بول از ما دریافت کند که این امر به نظر ما صحیح نیست و وظیفه دولت انقلابی است که به کشاورزان به خاطر رشد محصولات کشاورزی که نیاز مبرم ملکت ماست یاری رسانده و از ما پشتیبانی کند..."

راه و جاده:

روستا تقریباً ۴ کیلومتر با جاده اصلی (با بل به قائم شهر) فاصله دارد. این جاده قبلاً شن ریزی شده و مرتب بود، ولی بر اثر فرسایش و زیاد شدن رنقاط مختلف آن، چاله ها و دست اندازها ایجاد شد... اهالی بعد از تماس با جهاد سازندگی تصمیم به ترمیم و شن ریزی مجدد آن گرفتند. برای اینکار، اهالی با خود یاری ۱۵ هزار تومان جمع آوری کردند و مقرر شد که بقیه را جهاد از محل بودجه خود بپردازد. پس از آن، جهاد دست به کار شد و شروع به ترمیم جاده نمود. ولی برای اینکار، جاده خرابتر از سابق شد! دلیل آن نداشتن کامیون و ترکتسین بود. حالا طوری شده که مینی بوس ها نمی توانند برای مسافرکشی در این جاده رفت و آمد می کردند، دیگر خرابیها کار در این جاده نیستند و معتقدند که به علت خرابی راه، ماشین فرسوده و متلاشی میشود.

پای صحبت جوانهای ده:

با جوانها که صحبت کردیم اکثری می گفتند که به دلیل نبودن سرگرمی وقت خود را به بطالت در خانه و یا کوه های روستا می گذرانند، بدون آنکه هدفی داشته باشند. هیچگونه وسیله ای برای سرگرمی موجود نیست. آنها میگویند: "حتی از یک کتابخانه محرومیم، در صورتیکه با داشتن کتابخانه می توانیم هم اوقات خالی خود را پر کنیم و هم کمک به رشد فکری خود نماییم. از زمین بازی و ورزش هم خبری نیست و بچه ها همگی روزها برای فرار از گرما برای شنا به رودخانه

تأمین آب

برای مصارف کشاورزی و آب آشامیدنی، ایجاد راه، مدرسه ابتدائی، کتابخانه برای جوانان، مبارزه با کرم ساقه خوار و تأمین سموم دفع آفات و... از جمله خواسته های مردم این روستاست

روستا صاحب یک گرما به عمومی نیز می باشد که روستائیان ۹ روستا آنرا مورد استفاده قرار میدهند. از سه دوش موجود در حمام، یک دوش از کار افتاده و فقط دو عدد از دوش ها کار می کنند!

آموزش و پرورش:

روستا در گذشته دارای یک دبستان ابتدائی بود، آموزش و پرورش با تعمیر و اضافه کردن چند اتاق، آن را تبدیل به دوره راهنمایی کرد... و در حال حاضر روستا فاقد دبستان برای دوره ابتدائی است! شاگردان هم مجبورند به روستای "بالا رستم" در یک کیلومتری بروند. این امر در زمستان به دلیل بارندگی و نبودن جاده، که راه عبور پرازگل ولای می باشد برای دختران و پسران دانش آموز مشکلو توام با ناراحتی است. جوانان ده اکثر دوره ابتدائی را گذرانده اند و اکثر فرزندان دهقانان با سواد هستند و در هر خانواده ای یکی دو یا سواد وجود دارد.

و غیره مثل سالهای پیش پیدا دمیکند روستائیان برای دفع آن احتیاج به سموم مختلف دارند ولی در تهیه آن با اشکال مواجه هستند. مقداری باغ هم هست که کفاف خود روستائیان را میدهد.

آب و برق:

مدت دو سال است که این روستا صاحب برق شده است. ولی روستائیان آب لوله کشی است و برای تأمین آب مصرفی خود، عده ای در خانه هایشان به حفر چاه اقدام کرده اند که در بیشتر مواقع، آب چاه به دلیل نزدیکی آن به چاه مستراح، آلوده می باشد. در خانه هایی که چاه نزده اند از آب رودخانه استفاده می کنند که آنهم آلوده و خطرناک بوده و غیر قابل شرب می باشد. ولی مردم مقیم اینجا مجبور به آشامیدن آن هستند. در نقاطی هم محتویات مستراح و فاضلاب و دستشویی ها به داخل رودخانه می ریزد!

وضع بهداشت:

یک درمانگاه در روستا موجود است که مجموعاً ۹ روستا را زیر پوشش بهداشتی خود قرار داده است. در هفته یک روز، آن هم به مدت دو ساعت یک دکتر می آید که اکثر آشنائی یا فلیپینی هستند و به بیماریهای موجود در منطقه آشنائی ندارند و در اکثر مواقع هیچ کمکی به بیماران نمی توانند بکنند. یک مردودوزن هم به عنوان بهروز در این درمانگاه به کار مشغولند.

در گذشته، جمعیت زنان ایران نیز هفته ای یکبار با طبیب به آنجا برای مداوا و کمک به بیماران می رفت ولی حالا مدتی است که به دلیل نداشتن دکتر، قادر به ادا مسه اینکار نیست.

"استرآباد محله" و "پائین رستم"،

از توابع شهرستان قائم شهر (استان مازندران)، دور روستای مجاور هم می باشند که در ظاهر یک روستا به نظر می رسد و در مجموع ۵۵ خانوار جمعیت دارد.

این ۵۵ خانوار با ۴۰ هکتار زمین زندگی می کنند! زمینهای قابل کشت این روستا حدود ۱۰۰ هکتار می باشد که ۴۰ هکتار آن متعلق به اهالی این روستاست و ۶۰ هکتار بقیه متعلق به روستائیان "آهنگرکلا"، یکی دیگر از روستاهای تابع قائم شهر میباشد.

ماجرای این قرار است که مالک قبلی این زمینها "آهنگرکلا" بوده و در زمان "انقلاب سفید"، طبق اصلاحات فرمایشی مجبور میشود مقداری از زمینهای خود را به روستا را بین اهالی روستای خود، یعنی "آهنگرکلا" تقسیم میکند. این عمل باعث میشود مقدار زیادی از زمینهای این روستا را دهقانان روستای دیگر صاحب شوند و در حال حاضر بین این دو گروه اختلاف شدید حاکم است.

وضع طبقات اجتماعی:

قشر بندی اجتماعی در این روستا به این نحو است که ۷ خانوار دهقان فقیر، یک خانوار کارگر کشاورز و ۲ خانوار فاقد زمین و کار می باشند که با کمک های پولی و جنسی روستائیان زندگی می کنند. اکثریت بقیه را دهقانان میانه حال تشکیل میدهند.

وضع کشاورزی:

محصولات عمده روستا را برنج، لوبیا، پنبه و آفتابگردان تشکیل میدهد. زمینهای زیر کشت برنج به علت بی آبی در حال خشک شدن و نابودی است. در بار زیددی که از شالیزارها به عمل آوریم زیر ساقه هلی برنج که با یک حدود ۳۰ سانت آب وجود داشته باشد حتی یک قطره آب هم مشاهده نکردیم! آفت برنج (کرم ساقه خوار)

نامه کارگر زحمتکشی که بعنوان «ضد انقلاب» اخراج شده است

نامه‌ای را که در زیر میخوانید کارگری برای مانوشته است که چهار سال در کارخانه ریسندگی و بافتندگی ممتاز تهران کار کرده و همراه ۱۱ تن از کارگران این کارخانه در پی درخواست حق و حقوق خود، بعنوان "اخلالگر و ضد انقلاب"، اخراج شده است. این نامه نمونه‌ای از صدها مورد اخراج و به ناپودی کشاندن کارگران است که به طور لجام گسیخته‌ای رواج دارد.

من مدت چهار سال در کارخانه "ریسندگی و بافتندگی ممتاز" کار کردم و حالاً بعنوان یک آشوبگر و ضد انقلاب از کارخانه بیرون کردند. چرا مرا اخراج نمودند، چون هنوز هم در کارخانجات خودخواهی و پارتی بازی و اجاف و... بشدت وجود دارد، ما را بجرم آنکه حق خود را میخواستیم و از کارگران دفاع می‌کردیم، به اسم اخلالگر اخراج کردند و هفت ماه است که به وزارت کار و اداره بیمه مراجعه می‌کنیم ولی همیشه وعده و وعید می‌شنویم و میگویند برو وقت دیگر بیا.

سرپرستان قسمت‌ها مرا که چهار سال سابقه کار دارم اخراج کردند و آشنایان خود را استخدام نمودند. من نه زمین دارم و نه خانه. از شهرستانی برای لقمه نانی به تهران آمدم. یک پدر و مادر پیرو چند برادر و خواهر دارم که خرج آنان را باید بدهم. در کارخانجات دیگر هم وضع کارگران همینطور است و هر چه به وزارت کار مراجعه می‌کنند، نتیجه‌ای نمی‌گیرند.

موج اخراج پس از انقلاب گریبان بسیاری از کارگران را گرفته است. ماده طاعتی و ضد کارگری ۳۳ نیز به کارگران امان نمیده و چاق کارفرمایان برای نابود کردن کارگران و زحمتکشانشده است. با آنکه امام اخیراً مورد محو آثار طاقت‌ناکید بسیار کردند ولی مسئولین دولتی از این موضوع

فقط برای اجرای مقاصد خود سوء استفاده کردند و هیچ توجهی به قوانین طاقتی موجودمانند ماده ۳۳ قانون کار نکردند، مسئولین دولتی تاکنون قدمی در راه از بین بردن زمینهای اجافات و بر آوردن خواسته‌های کارگران قهرمان ایران برنداشته‌اند و هر روز زمینهای برای ستم بیشتر بر کارگران فراهم کرده‌اند. اخیراً نیز سودویژه کارگران را قطع کردند.

کارگران باید بدانند که مشکلات آنها در سایه شکل و اتحاد خودکارگران قابل حل است. تا

وقتی که اینگونه قوانین ضد کارگری موجود است، مسئله اخراج و بیکاری امری عادی میباشد. کارگران مبارز باید درسندیکاها و اتحادیه‌های واقعی متشکل شده و زمینه از بین بردن اینگونه ظلم و ستم‌ها و قوانین ضد کارگری را فراهم نمایند و جلوی اخراج‌های دسته جمعی و انفرادی کارگران را در کارخانجات و کارگاهها بگیرند، چراکه مسئله بیکاری و اخراج در انتظار کارگران شاغل نیز هست.

کارگری از تهران

به خواسته‌های عشایر «اریاد» (کشکولی کوچک)

فورا رسیدگی کنید

خودداده‌های خود را تهیه نمایند. در این مناطق جاده‌ای درست و حسابی وجود ندارد و روستائیان بعلت عدم دسترسی به تراکتور و لوازم دیگر، نمی‌توانند کشت دیم‌ها را بنمایند.

بیلای این عشایر در "تلخالی" منطقه‌ای بین کاکان و مرزکرد، قرار گرفته و در حال حاضر به علت ازدیاد دامهای روستاهای این منطقه بیش از یکماه نمیتوانند در محل بمانند.

این مردمان زحمتکش که در شرایط نامناسبی بسر میبرند، در گفتگویی با "رنجبر" خواسته‌های خود را باین شرح اعلام کردند:

۱- تامین علوفه، آب آشامیدنی و آبشوردان در قشلاق تا محدودیت مدت توقف آنان در قشلاق جبران شود، ۲- احداث جاده در نزدیکی قشلاق.

۳- پرداخت وام، اداره امور عشایری بعد از یکسال که از جمع آوری سهام عشایر میگذرد هنوز وام آنان را نپرداخته است.

ساکنین خرابه‌های اطراف میدان «ولی عصر» شیراز:

آیا به این میشود گفت زندگی؟!

زیرپای خانواده‌ام و النگوی چهام را بفروشم، ولی با این همه هنوز خوب نشدم و چند هزار تومان هم بدو دهکام من با این وضع نمیتوانم کار کنم و یکسال ونیم است که در خانه افتاده‌ام و وزنم میسرود فعلگی و با هزار اربدبختی خرج خانواده را در میاورد. نه کسی را دارم و نه راهی.

"عزیز محبی" یکی دیگر از ساکنین این خرابه گفت: "من خرج هفت نفر را میدهم و با این سزیا د میروم کفش جمع کنی و شیشه جمع کنی تا خرج زندگی را در بیاورم، ۹ هزار تومان بدو دهکام و بیچه‌ام مریض است و پول ندارم کسه و را پیش دکتر ببرم."

همسر آقای علی فیوج که به علت سوء تغذیه شیرش خشک شده و مجبور است که به نوزادش شیر خشک بدهد، میگوید: "روزی ۳۰ تومان درآمد دارم. به زحمت میتوانیم پولی برای شیر این بچه تهیه کنیم. این روزی ۳۰ تومان راهم اگر کارگر نیاید که هیچ نداریم." قاسم فیوج یکی دیگر از زحمتکشان این محله است که باروزی ۳۰ تومان خرج ۷ نفر را باید بدهد و خانواده‌اش و مجبورند تا با جمع آوری شیشه و کفش کهنه، کمکی به خرج زندگی نمایند.

در پایان این گفتگوایین زحمتکشان بمان گفتند: چند روز است که نمیتوانیم این شیشه‌ها را که جمع کرده‌ایم بفروشیم. حالاکه انقلاب شده است و دولت اسلامی است، باید بداد ما برسند. دولت باید بیاید و ببیند که چگونه زندگی می‌کنیم و آیا این را میشود گفت زندگی.

در اطراف "میدان ولی عصر" در شیراز، در کنار تل‌های انباشته از زباله، ۲۱ خانوار در خیمه‌ها و کپره‌های زندگی میکنند که آنها را با آهن‌های قراضه ماشین‌های تصادفی، تکه‌های مقوا و تخته و... درست کرده‌اند.

این تعداد خانوار در بدترین شرایط ممکنه و در بیابان زباله‌ها و کثافات آلوده به انواع میکروبها زندگی میکنند و جوانان آنان روزها بدنبال کارهای پیکار بییل فعلگی روانه شهر میشوند. ساکنین این کپرها، آنهایی که به علت سن زیاد قادر به کار کردن نیستند، روزها را به جستجو در میان زباله‌ها میگذرانند، تا با یک تکه شیشه و کفش‌های کهنه و چیزهایی از این قبیل و فروش آنان، گوشه‌ای از بارهزینه خانواده را بدوش گرفته و به پیش ببرند.

بیکاری و مریضی دو گره کور زندگی این زحمتکشان است. اگر خود و کودکانشان بیمار شوند از مراجعه به پزشک و دارو محروم هستند و اگر مسئله مرگ و زندگی پیش بیاید باید دست به قرض بزنند و مختصراتاً شیبه زندگی محقر خود را خرج دوا و درمان نمایند. خبرنگار "رنجبر" به سراغ این محرومان رفت و با آنان به گفتگو نشست که حاصل آنرا در زیر میخوانید:

"محمد فیوج" که ۵۰ سال سن دارد، تا عید سال پیش بمدت یک سال ونیم باروزی ۵۰ تومان در شرکت ساختمانی "موبیلار" کار کرده است میگوید: "چون در آن شرکت بیمه نبودم، به سراغ دکتر شخصی رفتم و حدود ۵۰ هزار تومان خرج بیماری من شد. مجبور شدم فرش

هوانگ وان هوان: (دوست و هم‌زم هوشی مین) انقلاب دیگری باید در ویتنام انجام گیرد

معاون رئیس کمیته دانشمندی مجمع ملی ویتنام، دوست و هم‌زم رئیس جمهور هوشی مین و یکی از بنیان گزاران حزب کمونیست ویتنام که در ماه ژوئیه سال پیش به جمهوری خلق چین پناهنده شد چندین بار در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های خود علت فرار خود و وضع داخلی ویتنام را تشریح کرده است.

وی در ۲۸ ژانویه سال برای نما یندگان و ویتنامی‌های ساکن ایالت یونان در چین سخنرانی بعمل آورده است که خلاصه آن را در اینجا می‌آوریم. او در این سخنرانی بیشتر به وضعیت ویتنام و بخش‌های مهمی از سخنرانی وی را به سراسر خوانندگان رنجبران این شماره درج می‌کنیم.

خیانت با آرمان خلق و صادر هوشی مین

"بسیار قریب یک قرن مبارزه سخت از جمله ۲۰ سال مبارزه مسلحانه مردم ویتنام تحت رهبری دانه هوانه رهبری حزب ورئیس جمهور هوشی مین امپریالیست‌های فرانسوی و آمریکائی و دست‌نشانندگان را شکست دادند. این یک پیروزی تاریخی و در حقیقت یک پیروزی دورانسا بود که برای مردم سراسر کشور شادی و غرور بیاورد. آزادی قلمی مردم پس از این پیروزی جبران خسارت، ترمیم خرابی‌های جنگ و زندگی در صلح و آسایش و خدا حافظی با جنگ بود. با اینحال "له‌دوان" و شرکاء کلا ملامت این عمل کردند. آنها حاصل ۲۰ سال انقلاب را بکلی از بین بردند و به خط مشی صحیح ایجاد یک ویتنام صلح دوست، متحد، مستقل دمکراتیک و شکوفه که توسط رئیس جمهور محبوبمان هوشی مین حمایت میشد پشت کردند.

امروز هیچ صلحی در ویتنام وجود ندارد

گرچه قریب پنج سال از آزادی سراسری کشور میگذرد اما هنوز صلح

درازی باقی است و برای تحقیق آن با یستی کارهای زیادی انجام گیرد.

برای یک دوچین سال یا بیشتر خط مشی گروه گرا با نه‌له‌دوان در شمال با عت زدو خورد های گروهی از سطوح مرکزی گرفته تا سطوح محلی شده است. این دعواها در بعضی از ادارات و ایالات لاینحل باقی مانده است.

نبودن هم‌گرا سی

در حال حاضر یک چیز عجیب و غریبی اتفاق افتاده است. یستی‌های با زرسی بطور غیر منظم در مکانهای زیادی در طول خطوط ارتباطی توسط مسئولین محلی برپا شده است و این یستی‌ها با زرسی به موازتی در سراسر جریان یافتن و توزیع کالاها در بین مردم تبدیل شده اند.

نتیجه اش این شده است که مثلا در سا یگون مواد غذایی کمیاب و گران است و باید در صورت وجود داشتن در با زرسی به چندین برابر قیمت خریداری کرد.

هم‌میهنان ما در جنوب فسوق العاده میهن دوست اندو با مردم شمال مثل بستگان خود رفتار میکنند. آنها آنها سخت مخالف سیاستهای غلطی که له‌دوان و شرکاء در جنوب پیاپی ده میکنند هستند و نیز مخالف استبداد و دیکتاتوری این دارو دسته میباشند.

بسیاری از روشنفکران و سایر میهن‌دوستان که در جنگ مقاومت علیه تجاوز آمریکا و برای نجات ملی شرکت کردند در حال حاضر سرخورده و مورد تبعیض قرار گرفته‌اند. تعداد قابل ملاحظه‌ای از آنها مجبور به ترک میهن خود و پسر بردن در تبعید شده‌اند.

به اقلیت‌های ملی در جنوب نظیر "خمرها" و "رادها" بطور نابرابر رفتار میشود و از تبعیض‌های ملی رنج میبرند. آنها در مخالفت به له‌دوان و شرکاء بطور آشکار یا مخفی بی‌خاسته‌اند.

چطور ممکن است یک کشور ادعا کند که واقعاً متحد شده در حالی که توسط زدو خورد های گروهی در نقاط و ادارات مختلف و در تمام سطوح از هم گسیخته است و نیز توسط تضاد های حاد بین شمال و جنوب و بی‌جا جلوگیری از توزیع کالا و مدورفت از هم گسیخته است؟

زندگی ویتنامی‌ها در فقر و گرسنگی فلاکت‌بار

له‌دوان و شرکاء با پیروی از سیاست تجا و زکارانه و جنگ، به مردم خطاب میکنند که کسربندهای خود را محکم ببندند و اکثر منابع کشور و نیروی انسانی خود را در خدمت جنگ در آورند. در مناطق روستایی زمین‌های زراعتی بی‌مصرف مانده‌اند محصولات غله و سایر محصولات زراعتی بطور قابل ملاحظه‌ای نزول کرده است و بیش از یک میلیون تن کمبود سالیانه غله موجود است.

ضرورت وحدت اسلام‌مبارز و ملی‌گرائی مترقی

روزنامه انقلاب اسلامی در شماره یکشنبه ۹ شهریور ماه خود در ششمین قسمت سری مقالات "کودتا" بقلم احمد تا جیک در مورد وحدت "ایرانیت" و "اسلامیت" (مصدق و کاشانی) مطالبی درج نمود. کسه در شرائط کنونی کسه اما لست ملی‌گرائی مترقی از جانب برخی زبیر سوال قرار گرفته جالب و آموزنده است. ما در زیر آن بخش از مقاله را که با این موضوع اختصاص دارد نقل می‌کنیم.

"عملگردها و سازوکارهای مواضع سیاسی شخصیتها قابل تبیین نیستند، اگر زمینه‌های موجود در آن مقاطع خاص زمانی، فهم نشوند. البته این اصل زمانی پذیرفته می‌گردد که بپذیریم که شخصیتها در هیچ مقایسه مطلق نیستند و اینکه نسبت بزرگترین شخصه انسان است.

مرحوم طالبانی در سخنرانی که به مناسبت بزرگداشت دکتر مصدق در احمدآباد ایراد کرد، این واقعیت را در رابطه با نهضت ملی کردن نفت اینگونه بیان نمود:

... بعد چه شد؟ از کجا ضربه شروع شد؟ بی‌شک ضربه خارجی ضربه از درون خود خوردیم، اینها فقط برای تذکر و بیان واقعیتی است که موقع خود را درک کنیم. این به روحیات و نفسیات انسان باز میگردد. همان طور که انواع میکروبها پیرامون انسان موجود است ولی همین که بدن علی‌الحد و زخم‌وجرا حتی پیش از آمدان‌ها نجا بسیاری نفوذ میکنند، در روحیات و افکار انسان هم مسئله به همین شکل است.

عوامل استعمار و استبداد داخلی و جاسوسان، طرف‌ایسن

قدرتها شروع به تفحص کردند و نقطه ضعفها را یافتند، به فداکاریان اسلام گفتند شما بودید که نهضت را پیش بردید فداکاریان میگفتند که ما حکومت تا ما سلامی میخواستیم به آنه‌ها می‌گفتند که دکتر مصدق بی‌دین است یا به دین توحیدی ندارد و خواسته‌های شما را نمی‌خواهد انجام دهد، آنها به دکتر مصدق میگفتند فداکاریان اسلام جوانانی پرشور و تروریست هستند با پدا زانه‌ها بی‌برهیزید و من که خود در این میان میخواستیم بین این دو تفاهم ایجاد کنم دیدم که نمی‌شود. امروز صحبت می‌کردم ما فردا میدیدم که چهره‌ها عویس شده، باز خصومت و توطئه.

مرحوم دکتر مصدق میگفت من نه مردم مدعی حکومت اسلامی هستم و نه بخوا هم همیشه جا کم‌نخست وزیر باشم، مجال دهید و بگذارید تا قضیه نفت را حل کنم، فداکاریان اسلام میگفتند ما سهم‌بزرگی داریم و باید خواسته‌های ما را انجام دهی و بدین ترتیب این جناح را جدا کردند. نتوانستیم آن ترکیب وحدت و نیروی انقلابی مسلحانه را دوباره التیام دهیم.

دوباره آمدند سراغ مرحوم آیت‌الله کاشانی، با زان راه نفسیات که این نهضت از آن توست. دکتر مصدق چه کارها داشت؟ تا مدتها به دست توست و جاسوسانی را که ما از نزدیک می‌شناختیم دور آن پیرمرد را گرفتند و او را ز مصدق جدا کردند، یاد هست روزی که در برین مردم گفتگو بود مرحوم آیت‌الله کاشانی از اهدای حمایت میکنند و توطئه‌ای در کار است. به‌شکلی به منزل ایشان در پیل چوبی رفتیم.

تنها بود، در اثنای به انتظاریش نشستیم، وقتی که آمد طرف خربزه‌ای در دست داشت، بعنوان تعارف جلو من گرفت تا خربزه بریدم گفتم حضرت آیت‌الله در نزد زبیرا بیت‌پست خربزه میگذاردند، مواظب باش، گفت نه اینطور نیست، جواسم جمع است... لذا سخن از "ایرانیت" منهای "اسلامیت" سخنی است که تنها میتوان از زانیده مخزن کاشانی با شکر بگردد و واقعیت‌های تاریخی - اجتماعی، جامعه ایران بیگانه‌اند، و بیگانه‌ها نه‌آنها‌ها شرم‌استعمار را از حلقومشان فریاد میکنند همانگونه که "اسلامیت" منهای "ایرانیت" نیز نمیتواند بیان واقعی شکل‌بندی اجتماعی - تاریخی و ساخت فرهنگی جامعه اسلامی و ایرانی ما باشد. شاها با استقلال ایران، تنها با دو بال "اسلامیت" و "ایرانیت" است که میتوانند، در آسمان پهنای ایران مرز و بوم به پرواز درآید. "اسلامیت" که روحانیت مظهر آن بوده است و "ایرانیت" که کاشانی چون امیر کبیرها، قائم‌مقام‌ها فریادها و... مصدق‌ها، بیان‌کننده آن، و این بیان مصدق که "من... بر علیه هرچه "اسلامیت" و "ایرانیت" را تهدید کنند، تا زنده هستم مبارزه میکنم" بیان شخصی نیست که احکامش را نه بر اساس بندهای مبتنی بر حب و بغض‌های فردی، گروهی، حزبی و دسته‌ای، بلکه بر اساس واقعیت‌های غیر قابل انکار، اجتماعی و تاریخی کشور ما استوار ساخته است؟ و آیا این سخن مدرس کسه "دیانیت ما عین سیاست است و سیاست ما عین دیانیت است" بیان راستین چنین واقعیتی نیست؟

اهمیت قضائی را چگونه می‌توان تأمین کرد؟

در این شماره از نشریه قضائی، در حالی که در کوشش...

بهترین هدف شایسته (ملی گراشی افراطی) سوزان لهدوان و شرکاشی در فرستادن نیروهای نظامی به لائوس و زیرکنترل قرار دادن ایمن کشور مبادرت به تجاوز علیه کامبوجیا (کامبوج) می باشد . آنها مرتکب تحریکات مسلحانه در مناطق مرزی چین و ویتنام به خاطر منافع یک قدرت خارجی شدند ، آنها یک میلیون نفر از جوانان دختر و پسر را وادار کردند تا مدرسه و کارشان را رها کنند و به آموزش نظامی بپردازند . آنها سرتیپها را با یک منظور زلفت با چین بنا کنند . چرا آنها میخواهند با چین مخالفت کنند ؟

به گفته لهدوان و شرکاء چین از مدتها پیش میخواست ویتنام را "قمیسه" خود کنند ، این بیگانه دروغ شاخدار است . مدت سی سال چین دوست صادق و نزدیک ویتنام بوده است ، چین بخاطر کمک به ویتنام در مبارزه اش علیه امپریالیسم فرانسه و آمریکا و در بازسازی ملی اش بیش از بیست میلیارد دلار بصورت کمک های جنسی و هدیه های نقدی خرج کرده است . چین صدها هزار نفر را برای مبارزه دوشا دوش با مردم ویتنام به این کشور فرستاد و از هیچ تنوع از خودگذشتگی حتی از خودگذشتگی های جانی نیز دریغ نوری زیده است .

در حال حاضر چین با تمام نیرو و امکانات به مدرنیزه کردن خود مشغول است و هیچ قصدی به تجاوز علیه ویتنام را ندارد ، چه رسد به "قمیسه کردن آن" در عین حال چنانچه لهدوان و شرکاء بر روی بوجود آوردن تحریکات مگر خود با فشاری کنند ، چین هرگز تحمل چنین اعمالی را تا آب درخوردن و به حمله متقابل دست نخواهد زد .

لهدوان و شرکاء متوسل به بوجود آوردن تصادمات با چین شده و دائما با صدای بلند سخن از شکست دادن چین میرانند . بگذارید ببینیم چه موقع آنها قادرند چین را شکست دهند ؟ آیا آنها آماده اند تا چندین دهه ، چندین قرن و نسل اندر نسل علیه چین بجنگند ؟ اگر آنها به آنچه که امروز انجام میدهند ادامه دهند ، چه موقع ویتنام از صلح برخوردار خواهد شد ؟

عدم وجود وحدت واقعی در ویتنام

مردم ویتنام قهرمانان نهمین سال برای وحدت مجدد کشورشان جنگیده اند . در حال حاضر کشور فقط بطور ظاهری متحد شده است ، ولی برای رسیدن به وحدت حقیقی هشتاد و

عدم وجود استعمال

مدت سی سال چین همسایه خوبی برای ویتنام بوده است و همواره در سختی ها و شادی های با مردم ویتنام در مبارزه های مشترک شریک بوده است . علاوه بر این چین یک کشور نیرومند در جهان بشمار میرود . علیرغم این لهدوان و شرکاء بدون دلیل و منطق وبدون توجه به منافع ملی مصمم اند تا با چین به مخالفت بپردازند و به لاف زنی بپردازند . شکست دادن چین دست زده اند .

پس این چه طرز فکر کردن است که آنها را در دست زدن به چنین اعمال ابلهانه ای هدایت کرده است و آن نیروهای هادیت کننده انجام چنین اعمالی متکی اند چه کسانی هستند ؟ جواب اینست که آنها طبق دستورات نیروهای ارتجاعی ضد چین در جهان عمل میکنند و به "گمکهای" اهدای بی نیروه ها امید بسته اند ، بزبان ساده و روشن ، آنها به منافع ملت ما خیانت میورزند و نقش سنگ زنجیری یک قدرت خارجی را بازی میکنند . لهدوان غالباً ادا کرده است که ویتنام سومین قدرت نظامی دنیا است . واقعیت اینست که ویتنام به تدارکات یک قدرت خارجی برای مهمات ، تدارکات لجستیکی هم چنین برای راکتها ، تانکها و هواپیما های متکی است .

ویتنام باید برای مواد غذایی ، لباس ، مایون و حتی سوزن و نخ دست گدایی پیش سایر کشورها دراز کند و به آنچه دیگران بدهاو میدهند ارضی باشد .

از نظر اقتصاد که ملا زائده یک قدرت خارجی است . از نظر سیاسی جاسوسانیکه منافع یک کشور خارجی را نمایندگی میکنند در هر اداره و حتی در کابینه و کمیته مرکزی حزب ویتنام گاشته شده اند . آنها در موقعیتی قرار دارند که بوسایل مختلف اداره دولت را زیر نفوذ خود دارند و سیاستهای دولت را از نظر اینکه به صلاح آنهاست تعیین میکنند .

از نظر نظامی ، تجا و زو ویتنام علیه لائوس و کامبوجیا وادافریاد های پیش درباره درگیر شدن در یک جنگ با چین توسط یک قدرت خارجی برای "احتیاجات" استراتژیکی آن دیکته شده و از پشتیبانی نظامی آن قدرت خارجی برخوردار است .

از نظر دیپلماسی ، تظا هرهای دروغین ویتنام که عده ای در گذشته با آنها باور داشتند با تجا و زبسه کامبوجیا و شمال چین کشور بر ملا شده است . این دارو دسته بیش از پیش به تبلیغات دروغین می پردازد و بیش از هر زمان دیگر به سازان قدرت خارجی میرقصد . در حال حاضر با یگا های هوایی

تولیدات صنعتی بصور قسم گیری با شین آمده است و کمبود فوق العاده زیاد ما یحتاج روزمره محسوس می شود .

به استثنای اعضای طبقه ممتاز متعلق به دارو دسته لهدوان که با استثمار مردم و چپاول اموال عمومی از زندگی مرفعی برخوردارند ، بقیه مردم در فقر شدید بسر میبرند . زندگی کارگران فقیر ، دهقانان و بویژه ما مورین دون پایه فوق العاده رقت بار است .

در آمدشان خیلی با شین است ولی ما یحتاج زندگی هم که فقط در بازار سیاه موجود است خیلی گران است .

گدایی ، فاحشگی ، کلاه برداری دزدی ، چپاول و قتل بخاطر پول به یک پدیده عادی تبدیل شده است . صدها مردمی که نسل اندر نسل در ویتنام زندگی کرده اند مجبور به ترک وطن کرده و بخارج فرار کرده اند . چنین تاریخ غم انگیزی که امروز در ویتنام موجود است هرگز تا کنون اتفاق نیافتاده است .

بدیهی است که در ویتنام کنونی زیر سلطه لهدوان و شرکاء مردم رنج فوق العاده ای میبرند و زندگی غیر ممکن شده است . در تحت چنین شرایطی ، مسخره است که دربار یک ویتنام شکوفاتر و نیرومند تر به لاف زنی بپردازد .

نزدیک به پنج سال از پیروزی در جنگ علیه تجا و آمریکا و برای نجات ملی گذشته است . در حالیکه هنوز مردم ما مجبورند تا پسران و برادران خود را به لائوس و کامبوجیا بفرستند و مردم آنجا را قتل عام کنند و خود نیز بمیرند . علاوه بر این مردم ما تحت اظطرابهای خارق العاده جنگ زندگی میکنند و از گرسنگی ، سختی و تحقیر ، رنج میبرند این درست شبیه زندگی کردن در یک زندان است .

در گذشته مردم ما اعتماد کامل به حزب ورئیس جمهور هوشی میمن داشتند ، اکنون آنها کینه ای عمیق به لهدوان و شرکاء در خود میپروراندند بعلاوه آنها حزب تحت کنترل لهدوان و شرکاء را بعنوان برجسبی که نام نیک حزب کمونیست را چیست فریب مردم با خود حمل میکنند تلقی می کنند .

اگر در گذشته ویتنام بعنوان سمبل عدالت و آگاهی زمان ما مورد تقدیر قرار میگرفت و تلقی میشدیم اکنون بعنوان یک دولت جنگ طلب متجا و زوسلطه گران تلقی میشد و در جهان منفرد شده است . از تجریه و تحلیل فوق میتوان بوضوح بی برد که وظیفه میرما امروز مردم ویتنام بر اهدا شدن انقلاب دیگری است ، مشخص بگویم آنها با یستی سلطه دیکتاتور و فساد لهدوان و شرکاء را سرنگون کنند و ویتنامی بقیه در صفحه ۵

چشم می خورد . از بازداشت های خود سرانه گرفته تا مجازات های بی رویه با ناهمگون ، و از اخراج قضات دادگستری و شلاق زدن آنها تا حضور عناصر چماق دار و مهاجم و ضرب و قتل و حصر دیگران و اشغال مراکز و دفاتر گروه ها و روزنامه ها و حتی ادارات دولتی

روزنا مه کیهان در شماره روز هشتبه ۱۱ شهریور خود در صفحه "گزارش روز" گزارشی را تحت عنوان "امنیت قضائی را چگونه میتوان تا مین کرد؟" درج نموده که حاوی مطالب گویائی در افشای موارد نقض امنیت قضائی و نیز نظرات مسئولین در این باره است با توجه به بازداشت های که عدم امنیت قضائی اخیرا در کشور ما پیدا کرده است ، ما قسمتی از این گزارش را در اینجا می آوریم

مواردی از نقض امنیت قضائی

نقض امنیت قضائی موارد متعددی دارد ، از بازداشت های خود سرانه گرفته تا مجازات های بی رویه و ناهمگون ، از اخراج قضات دادگستری تا کتک زدن و شلاق زدن آنها ، و حضور عناصر چماق دار که برقراری امنیت قضائی فرد فرد مردم کشور و گروه های سیاسی مختلف و آزادی های اساسی را به مخاطره جدی می اندازند ، نقض امنیت قضائی به همه اشکال مختلف ظاهر میشود . در اینجا بد نیست که به نمونه هایی از آن اشاره کنیم .

در دیماه سال گذشته "انجمن اسلامی" کارکنان وزارت دادگستری تعدادی از مقامات این وزارتخانه را از محل کارشان اخراج کردند که اینکار ربا عکس العمل پاره ای از مقامات مملکتی مواجهد و شوروی انقلاب عمل انجمن اسلامی این وزارتخانه را محکوم کرد . بدنیسالی این حادثه رئیس جمهور در جمع قضات و کارکنان وزارت دادگستری حضور یافت و طی سخنانی گفت "ما انقلاب کردیم که دستگا ه قضائی بیدار کنیم . ما میخواهیم که قضائی از رئیس جمهور از نخت وزیر ، از وزیر فرمان نبرد بلکه زقانون و از وجدان پاک انسانی خویش فرمان نبرد . چه کار باید کنیم که دستگا ه قضائی ما که امروز یکی از ضعف های مهم ما است به یکی از قدرتهای جامعه ما تبدیل بشود . ایجا چنین قدرتی تا حدودی مربوط به دستگا ه سیاسی کشور می شود که مسئولان قوه قضائیه از دخالت در کار این قوه خودداری کنند و دیگر اینکه خود شما قضات نباید زیر بار این دخالت ها بروید ."

در افسندما سال گذشته نیز بدنیسالی حوادثی که در جریان با جوشی از یک متهم در دادگستری

لنگر و درویدادادیا رو ۲ قاضی دادگستری از طرف دادستان انقلاب اسلامی این شهرستان بازداشت شدند . بدنیسالی این حادثه قضات و کارکنان دادگستری گیلان بعنوان اعتراض به دستگیری قضات دست از کار کشیدند و رئیس جمهور برای فیصله دادن به این غائله در لنگر و در حضور یافت و طی سخنانی اظهار داشت که "ما از فقدان امنیت سیاسی ناراحت و نازخی است ."

در دستگیری قضات موارد دیگری هم میتوان ذکر کرد و آنستهم دستگیری دادستان ملایر در افسند ما سال گذشته است که بدنیسالی این حادثه کارکنان و قضات دادگستریهای ملایر و آنها و نددست از کار کشیدند . چند روز بعد ۷ نفر از اعضای کمیته انقلاب ملایر در رابطه با دستگیری دادستان این شهر بازداشت شدند . در شهرستانهای مختلف نیز حوادثی مشابه با عث اعتراض قضات و متوقف ماندن کار دادگستری شده است . دادگستری شهرستانهای ایلام و موشهر یکی ربا طرعه دو وجود است امنیت قضائی و دخالت اشخاص بی مسئولیت در کار قضات دست از کار کشیدند .

از موارد دیگری که با عث نقض امنیت قضائی میشود اجرای حدود اسلامی توسط اشخاص غیر مسئول است . بیکبار دادستان انقلاب اسلامی مازنداران طی اطلاعیه ای به افراد غیر مسئول در منطق ه هندا داد که مجریان اعمال غیر موجه و ضد مردمی که بدون نظر حاکم شرع حدودی را اجرا میکنند بشت تحت تعقیب قرار خواهند گرفت . چند ماه قبل نیز دونوازنده در شهرستان صفهان بدستور اشخاص غیر مسئول در ا مرقضا و ت شلاق خوردند که این دو نفر از اعمال خود سرانه این افسراد به دادسرا شکایت کردند . در تاریخ ۱۵ مرداد ما ه سال رئیس دادگاه نورآباد ممسنی بچهره روز خواصی در بلا عام شلاق خورد ، این کار اعتراض وسیع قضات و وکلای دادگستری را بدنیسالی داشت و جامعه وکلای دادگستری فارس طی اعلامیه ای این عمل را به شدت محکوم کرد .

جمعیت حقوقدانان نیز با اعتراض به شلاق خوردن رئیس دادگاه نورآباد ممسنی در اطلاعیه ای اعلام داشت : شلاق زدن رئیس دادگاه نورآباد ممسنی همرا دچا ربیعت کرده است و به عقیده ما کسانی که چنین ضربه هائی به قوه قضائیه می زنند با در عمق

جهالت هستند یا در اوج سوء نیست . اگر قاضی که مظهر قانون است چنین مورد آها نت قرار بگیرد چگونه میتوان انتظار داشت که درجا معاقانون حاکم شود .

وقتی قاضی و قوه قضائیه در کشوری اعتبارشودر ما نیکسه دادگستری در برابر ترکتاز بیعای اشخاص غیر مسئول قرار بگیرد و قوه قضائیه از ایفای نقش اساسی خود با زماندوبیا عنا صرفست طلب ، در آن نفوذ کنند و قوه اجرا شده نیز آشکارا در کار قوه قضائیه دخالت کنند و قانون شکنان حتی مریدا مورد حمایت قرار بگیرند گروه های مسلحی هم در جا مع پیدا می شوند که به بهانه اجرای عدالت آدم میکشند و جوتور و وحشت را بر جا معه حاکم میکنند . شایه روز تازترین این گروه ها گروهی با نام "گروه توحیدی پیام مستمسف" است که چندی قبل سید جواد ذبیحی مداح رژیم پهلوی را بقول سردمداران گروه در یک دادگاه انقلابی "به اعدام محکوم کرد و حکم دهره را در برابر روی به مرحله جراد آورد . مردم می پرسند آیا هرج و مرج قضائی و عدم حاکمیت قانون باعث رشد چنین جریانهائی نمیشود؟" سازمان مبارزات اسلامی هم یکی دیگر از این گروه ها بوده که از آندنگی در سیستم قضائی کشور استفاده کرد و بطور خود سرانه و برای جمع آوری پول اقدام به محاکمه و صدور احکام اجرا نم نقدی نمود . این سازمان دارای اثرات مسلح بود و همه افراد آن در ره جاجا خود را ما مور اما مویا مجری دادستان انقلاب معرفی میکردند تا اینکه اعضای این با صلاح سازمان لورفتند و دستگیر شدند .

یکی دیگر از موارد نقض امنیت قضائی گشتا روحنا بیت یک گروه مسلح بنام "شاهین انقلاب اسلامی" بود که این گروه به بهانه اجرای قوانین حقوقی دستکم ۷ زن و مرد را بقتل رسانید ، اعضای این گروه و اعضای انقلاب با لباس پاسداران میگردند و سپس بقتل میرسانند . این گروه خود را مجری قانون میدانست و قبیل از جنایت به قربانیان خود خطا رمیکرد . بدنیسالی اقدامات جنایت بار "شاهین انقلاب" است الله مهدوی کنی سرپرست کمیته های کشور و عضو شورای انقلاب برای شناسائی و دستگیری قاتلیسن از مردم استمداد کرد .

۴۱ سال از اشغال لهستان توسط ارتش آلمان هیتلری میگذرد

مردم آزاده و استقلال خواه لهستان هرگز خاطره دردناک اشغال کشورشان را در روز دوشنبه اول سپتامبر ۱۹۳۹ توسط اشغالگران هیتلری فراموش نخواهند کرد. در این روز صدای غرش توپها، رنجبران نگهبان و بمبارانهای هوایی مردم و شور و آرزوهای بیدارگردها، خانه ها و ساختمانهای بیگانه را در پیش روی رختخوابها میفرستاد و هیتلری در خیابانهای برلین و برلین شرقی و غربی را در هم میگرداند. مردم در شوخانه به خانه و گوجه به گوجه دست به مقاومت زده و از زهر امگانی برای ضربه زدن به اشغالگران استفاده میکردند.

فاشیسم پیدا دمیکرد، مردم دسته دسته به اردوگاههای مرگ رهسپار میشدند و صداهای هزارتن زن و بچه، بیرو جوانان در این اردوگاهها سوختند. اردوگاه مرگ "شویتس" نه تنها مردم لهستان بلکه همه جهان را آزار باخاطر میآورد. در این اردوگاه هزاران یهودی لهستانی توسط جلادان و دزدان نازی سوزانده شدند.

"آشویتس" تنها یکی از هزاران سنجاییات و وحشیگریهای امپریالیسم توسعه طلب و سلطه گر آلمان آن زمان بود. هزاران نفر لهستانی دیگر نیز در زندانها، میدانهای اعدام، و در اشکری و پزشکی و نیز در جبهه های نبرد جان خود را در راه وطن از دست دادند.

امروز تار و پودر بار دیگر تکرار میشود، مردم فیرمان لهستان بویژه

مردم آزاده و استقلال خواه لهستان هرگز خاطره دردناک اشغال کشورشان را در روز دوشنبه اول سپتامبر ۱۹۳۹ توسط اشغالگران هیتلری فراموش نخواهند کرد. در این روز صدای غرش توپها، رنجبران نگهبان و بمبارانهای هوایی مردم و شور و آرزوهای بیدارگردها، خانه ها و ساختمانهای بیگانه را در پیش روی رختخوابها میفرستاد و هیتلری در خیابانهای برلین و برلین شرقی و غربی را در هم میگرداند. مردم در شوخانه به خانه و گوجه به گوجه دست به مقاومت زده و از زهر امگانی برای ضربه زدن به اشغالگران استفاده میکردند.

فاشیسم پیدا دمیکرد، مردم دسته دسته به اردوگاههای مرگ رهسپار میشدند و صداهای هزارتن زن و بچه، بیرو جوانان در این اردوگاهها سوختند. اردوگاه مرگ "شویتس" نه تنها مردم لهستان بلکه همه جهان را آزار باخاطر میآورد. در این اردوگاه هزاران یهودی لهستانی توسط جلادان و دزدان نازی سوزانده شدند.

"آشویتس" تنها یکی از هزاران سنجاییات و وحشیگریهای امپریالیسم توسعه طلب و سلطه گر آلمان آن زمان بود. هزاران نفر لهستانی دیگر نیز در زندانها، میدانهای اعدام، و در اشکری و پزشکی و نیز در جبهه های نبرد جان خود را در راه وطن از دست دادند.

امروز تار و پودر بار دیگر تکرار میشود، مردم فیرمان لهستان بویژه

مردم آزاده و استقلال خواه لهستان هرگز خاطره دردناک اشغال کشورشان را در روز دوشنبه اول سپتامبر ۱۹۳۹ توسط اشغالگران هیتلری فراموش نخواهند کرد. در این روز صدای غرش توپها، رنجبران نگهبان و بمبارانهای هوایی مردم و شور و آرزوهای بیدارگردها، خانه ها و ساختمانهای بیگانه را در پیش روی رختخوابها میفرستاد و هیتلری در خیابانهای برلین و برلین شرقی و غربی را در هم میگرداند. مردم در شوخانه به خانه و گوجه به گوجه دست به مقاومت زده و از زهر امگانی برای ضربه زدن به اشغالگران استفاده میکردند.

فاشیسم پیدا دمیکرد، مردم دسته دسته به اردوگاههای مرگ رهسپار میشدند و صداهای هزارتن زن و بچه، بیرو جوانان در این اردوگاهها سوختند. اردوگاه مرگ "شویتس" نه تنها مردم لهستان بلکه همه جهان را آزار باخاطر میآورد. در این اردوگاه هزاران یهودی لهستانی توسط جلادان و دزدان نازی سوزانده شدند.

"آشویتس" تنها یکی از هزاران سنجاییات و وحشیگریهای امپریالیسم توسعه طلب و سلطه گر آلمان آن زمان بود. هزاران نفر لهستانی دیگر نیز در زندانها، میدانهای اعدام، و در اشکری و پزشکی و نیز در جبهه های نبرد جان خود را در راه وطن از دست دادند.

امروز تار و پودر بار دیگر تکرار میشود، مردم فیرمان لهستان بویژه

سوسیال فاشیسم نشانه ضعف سرمایه داریست نه قدرت آن

احیاء سرمایه داری در روسیه گرچه ظاهراً قدرت نظامی و اقتصادی این کشور را بیشتر کرد اما این دگرگونی مصادف با گرفتاریها و بحرانهای بیدارمانی نیز با خود به همراه آورد.

کارگران روسی پس از آنکه دریا فتنه دگرگونی را تولید کردند در تصاحب آنها نیست بتدریج آن شور و شوق کار کردن که در زمان لنین و استالین از خود بروز میدادند، از بین رفت.

هنگامیکه آنها دریا فتنه که محصلان، کاسخ، حماقت و قست

انگلستان: بیکاری به مرز دو میلیون رسید

دولت انگلیس چهار رشنبه هفته پیش اعلام کرد که تعداد بیکاران در این کشور برای اولین بار بعد از رکود اقتصادی به ۲ میلیون نفر رسیده است. رقم دقیق بیکاران دو میلیون و هفتاد و هشت نفر اعلام شده است که ۸/۳ درصد از نیروی کار را انگلیس را تشکیل میدهد.

پیش از این بالاترین رقم بیکاری مربوط به سال ۱۹۳۶ یعنی در آستانه جنگ بین الملل دوم بود که اکثر کشورهای سرمایه داری بحران بزرگ اقتصادی فراگرفته بودند.

پیش از این بالاترین رقم بیکاری مربوط به سال ۱۹۳۶ یعنی در آستانه جنگ بین الملل دوم بود که اکثر کشورهای سرمایه داری بحران بزرگ اقتصادی فراگرفته بودند.

پیش از این بالاترین رقم بیکاری مربوط به سال ۱۹۳۶ یعنی در آستانه جنگ بین الملل دوم بود که اکثر کشورهای سرمایه داری بحران بزرگ اقتصادی فراگرفته بودند.

پیش از این بالاترین رقم بیکاری مربوط به سال ۱۹۳۶ یعنی در آستانه جنگ بین الملل دوم بود که اکثر کشورهای سرمایه داری بحران بزرگ اقتصادی فراگرفته بودند.

آفریقای جنوبی: زندانی شدن کودکان خردسال توسط نژادپرستان

سه رشنبه چهارم شهریور کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد گزارش داد که رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی (آزانیای) حتی کودکان نهم ساله را در جزیره خوف روبین زندانی کرده است. رئیس کمیسیون آقاسی "والید سعیدی" با انتشار نامه ای که از نژادپرستی وزارت خارجه آفریقای جنوبی فرستاده شده است از آزادی فوری این کودکان شد.

وی گفت که کارشناسان کمیسیون در آفریقای جنوبی مدارکی دریافت کرده اند که در آن برزندانانی شدن کودکان بسیار جوان در سن ۸ تا ده ساله در جزیره "روبن" می کنند. او همچنین اضافه کرد که این کودکان پس از محاکمه ای کدر آن هیچ گونه احترامی به حقوق منتهی گدا رند با این جزیره فرستاده میشوند.

آقای سعیدی علاوه بر این از رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی خواست که دست از اعمال خشونت بار و فوق العاده خطرناک خود علیه مردم آفریقای جنوبی و نامیبیا بردارد.

شوروی: ۹ سال در تبعید فرزندان بخاط حاج بك خوه

رویدادهای اقتصادی

روستاهای کشور ۲۶۰ هزار تراکتور کم دارند

روستاهای کشور ما که نزدیک به نیمی از جمعیت ایران را در خود جای داده اند، اهمیت بسیار زیادی در ساختن نوین جامعه دارند. بدون دگرگونی اساسی اقتصاد روستایی و حل مسئله دهقانی بنفع آنتیو دهقانان بی زمین و کم زمین نمیتوان صحبت از گام گذاردن در راه کسب استقلال اقتصادی و تدارک زیربنای لازم برای شکوفایی اقتصادی ملی و قطع وابستگی کرد.

یکی از مسایل بسیار مهم تولید کشاورزی، مسئله ماشین آلات و مکانات فنی است. در سیستم حکومتی شاه معدوم دهقانان کشور بخصوص اقشار کم زمین و بی زمین از امکانات مالی و فنی و زمین لازم برای فعالیت برخوردار نبودند. در عوض شرایط بسیاری برای مزدوران امپریالیسم و وابستگان به دربار فراهم بود تا با احداث کشت و غصب حقوق دهقانان به کسب سود و ثروت اندوزی بپردازند.

از ۲۵۲ میلیون هکتار زمین قابل کشت در ایران تنها ۹ میلیون هکتار آن زیر کشت است و ۶ میلیون هکتار نیز بصورت آیش کشت میشود. بدون شک تنها عامل با زدا رنده در توسعه کشاورزی، حاکمیت سرمایه داری بوروکراتیک وابسته بود. هم اکنون نیز دولت با بی توجهی به مسائلی روستا عملیات تغییر در ترکیب اجتماعی و اقتصادی روستاها فراموش کرده و برنامهای جامع و روشن نیز برای حل مسایل روستایی ندارد. آنچه که پس از انقلاب در زمینه افزایش تولیدات کشاورزی شاهد بودیم تنها رشد خود بخودی نیروهای مولده در اثر فریب دیدن مناسبات تولیدی تحت حاکمیت سرمایه داری وابسته بود و نه به تبعیت از برنامه های دولت برای توسعه کشاورزی و دگرگونی اقتصاد روستایی. هر چند که پس از انقلاب میزان وامهای اعطایی و کمکهای فنی به روستائیان افزایش قابل توجهی یافت اما این افزایش در مقایسه با نیازهای واقعی روستاها به هیچ وجه قابل توجه نیست.

برای مثال تراکتور که یکی از مهمترین وسایل تولید است در روستاهای کشور ما حکم کمی را دارد. روستاهای ما نیاز به ۳۰۰ هزار تراکتور دارد اما کل تراکتورهای موجود در روستاها ۴۰ هزار تراکتور نمیکند. تازه توزیع آنها نیز کاملاً نامناسب است. دولت آنطور که تاکنون نشان داده برنامهای جدی برای راه انداختن کارخانه تراکتور سازی تبریز، کاستن از میزان وابستگی آن تاسیس واحدهای جدید تا میزان نیازها از طریق واردات ندارد. واردات تراکتور کاملاً در انحصار دولت است و دولت شیزبا وجود گامهایی که در این زمینه برداشته اما همچنان فاقد برنامه های جامع و مناسب برای تامین تراکتور و دیگر امکانات فنی است. اگر قبول داریم که اقتصاد روستایی کشور را بیدار و تحول اساسی شود نمیتوانیم در مورد تامین امکانات روستائیان فنی برای فعالیت تولیدی در زمینه کشاورزی بی تفاوت باشیم. کشاورزان کشور، درست است که هم اکنون با مسایل بسیار زیاد دو مهمی دست بگریبان هستند اما در این زمینه نیز از دولت جمهوری اسلامی میپرسند که چه برنامه ای برای تامین ۲۶۰ هزار تراکتور مورد نیاز کشاورز در دست دارد؟

کشورهای بزرگ صنعتی چشم انتظار تشدید بحرانهای امپریالیست هستند

فرسای آنها به ثروت مند تر شدند. سرمایه داران بوروکرات نویساو گنده تر شدن شکم این انگل هسا می انجامد در عوض وضع اقتصادی، اجتماعی ورفاهی آنها روز به روز بدتر و فلاکت بارتر میگردد دیگر حاضر به کار کردن بطور جدی نبودند. کمکاری، غیبت، فرار از کار اعتبار با مثل سایر جوامع سرمایه داری از این بیبند در جامعه روسیه نیز متداول گشته و باعث کاهش تولید شد.

سایر مظاهر سرمایه داری نظیر اعتیاد، طلاق، فساد، رشوه خواری و فحشا نیزه نهاد در جامعه روسیه رواج پیدا کرد بلکه حتی در بعضی زمینها از جوامع سرمایه داری غرب نیز پیشی گرفت.

سرمه داران بورژوازی نوپای روسیه بجای بهبود وضع معیشتی و بهداشتی مردم بویژه زحمتکشان از سیاست موسوم به "توب بجای کره" پیروی کردند. چنین سیاستی بمعنای توسعه، تکمیل و مدرن کردن هر چه بیشتر و سریعتر ماشین جنگی، تولید و ساختن زیادتر سا زویرگ نظامی بود. حاصل این سیاست جز بلعیده

دارای یک ارتش چهار میلیونی مغرب مجهز به مدرنترین سلاحهای مرکب است.

در حالیکه رقم بزرگ درآمد کشور صرف هزینه های جنگی میشود، مسکن، کالاهای مصرفی، محصولات کشاورزی و نیازهای روزمره مردم مثل گوشت کمیا ب و گران است.

در مقایسه با سایر کشورهای سرمایه داری وضع بهداشت نیز رضایت بخش نبوده و میزان مرگ و میر و نوزاد در قریب معادل ۳۱/۱ هزار نفر را نشان میدهد که این رقم تقریباً دو برابر میزان مرگ و میر نوزاد (۱۵/۱ هزار نفر) در آمریکا است.

نظام سرمایه داری در روسیه که از نوع بدترین و منحط ترین آن یعنی سوسیال فاشیسم است علی رغم قدرت کنونی ما شند سرمایه داری نوع غربی نظامی است پیوسته، میرا و گنده که در دراز مدت محکوم به فنا و نابودی است.

اتخاذ چنین روشی (فاشیستی) از جانب سرمایه داری نوپا در روسیه نه تنها باعث دوام و نجات آن نخواهد شد بلکه مرگ آنرا نیز سریعتر میکند.

یکی از ناراضیان معروف روسیه بنام تاتیاناولیکانوا "جمععه گذشته" (هفتم شهریور ماه) به چهار سال زندان با اعمال شاقه که ادامه اش سال تبعید در نقاط دور افتاده کشور است محکوم شد. وی بجرم "تحریک افکار عمومی و تبلیغات فدروسی محکوم شده است."

بستگان خانم "تاتیاناکه" در "دادگاه" حضور داشتند گزارش میدهند که عده ای "تماشاجی" پس از اعلام رای "دادگاه" فریاد زدند "کافی نیست، کافی نیست" (محکومیت وی) و این در حالی بود که از شرکت طرفداران محکوم به پیدا دستگاه جلوگیری بعمل آمده بود. البته لازم بتوضیح نیست که این تماشایچنان کسانی جز ما مورین سازمان جاسوسی روسیه یعنی ک.گ.ب. نبودند.

کمی پس از محکومیت خانم "تاتیاناکه" یک کامیون دراز مسیری پوشیده وی را از محوطه "دادگاه" بیرون برد. هنگام خروج کامیون قریب بیست نفر از طرفداران تاتیانوا با صدای بلند و آوازه خوانی در آمدند.

روز پنجشنبه ششم شهریور نیز "دادگاه" مسکو یکی دیگر از اعضای فعال جنبش ناراضیان روسیه را به نام "گلب یا کونین" که یکی از کشیشان ارتدوکس روسیه است نیز به پنج سال کار با اعمال شاقه و پنج سال تبعید در داخل کشور محکوم کرد.

این اولین محاکمه مهم ناراضیان بعد از خاتمه بازیهای المپیک مسکو بود. این دو نفر هر دو در تاریخ اول نوامبر سال گذشته دستگیر شده بودند و محاکمه شان به خاطر بازیهای المپیک تا به امروز بتعویق افتاد.

بستگان وی از "محاکمه اش" در "دادگاه" گزارش داده اند که "قفا" دلیل محکومیت وی را بیشتر بخاطر طرح جزوه، شرح وقایع جاری دانسته اند.

گزارش خانم "تاتیاناکه" یک روز قبل از محکومیتش به "دادگاه" گفت که "صحنه مسخره نمایش به پایا رسید"، منظوری البته نمایشی بودن و فرمایشی بودن این به اصطلاح دادگاهها می باشد.

دوباره معلمین شریف کرد

دوستان رنجبر خسته نیاشید، من این نامه را از کردستان برای شما میفرستم، از همه شما خواهش میکنم که نامه ام را چاپ کنید. بالاخره بعد از سرگردانی چندین ماهه معلمین شریف کردستان و تغییر چند دفعه موقع برگزاری امتحان، معلمین شریف کردستان را به پای اصطلاح امتحان مجدد بردند.

این مطالب را از زبان دوستم که یک معلم در شهر سنج است و یک معلم زن شنیده ام که برای حزب رنجبران مینویسم. آنها می گفتند که اولاً چهار روز ما افراد مسلح بود و رعب و وحشت را میتوانستی در چهره مادران و پدرانی که ۴ ماه تمام بدون یکقران حقوق روی دیدن فرزندان را ندانستند ببینی، بالاخره سئوالاتی پختن شد، و سئوالاتی گمربیه تخصصیک معلم ربط داشت ولی مسئله، برای گردانندگان شما دوجیز بود: اولاً قدرت خود را به نمایش بگذارند و ثانیاً با اصطلاح خودشان تعریف عقاید کنند، مقام معلم را هرگز اینطور ندیده بودیم آنها را بجای کشانده بودند که علناً با آنها توهین کنند و به آنها بفحما کنند که آن شما درست ما است! بعد از اینکه با سئوالاتی آنچنانی از طرف معلمین جواب داده شد، دستور عده ای اصرار

ببهرگان مسلمان کرد تعدادی از معلمین را با رفتاری بسیار رخصتن و توهین آمیز و رفتاری بسیار ناسایست که در حور حکومت عدل اسلامی نیست و بیخبر اسلام (ص) و علی (ص) هرگز چنین رفتاری حتی بسا دشمنان قسم خورده اسلام ندانستند دستگیر و بدون ماسکها انداختند. یکی از معلمین بخاطر شلوعی جلودرب محل برگزاری امتحان و تاریکی شب که نادانسته بایش را روی پای یکی از ببهرگان با اصطلاح مسلمان کرد نهاده بود با اردکی و کنگ مفضل روانه داخل لندوروی ببهرگان به اصطلاح مسلمان شد و هرچه معلم می گفت با با خدا ندانستم، تاریک بوده ولی و را زور بردند. مادران، پدران، فرزندان و قوم و خویشان معلم شریف جلو درب محل برگزاری امتحان بودند و خیلی از زنان و مردان بخاطر دستگیری فرزندان و یا اقوام خود مضطرب و گریه می کردند و معلمین میگفت در محل برگزاری امتحان ما چند دختر وزن را دستگیر کردند و زنی که به با داشت شده بود با التماس از ببهرگان مسلمان کرد اتفاقاً میکرد که

رنجبر و خوانندگان

نشانی پستی: «رنجبر»: تهران - صندوق پستی ۳۱۲ - ۱۴۰۱ منطقه پستی ۱۵

خداوند بزرگوارم و بدو حمد و ستایش. بدین نامه ولی ایسا نسل بگردید. یکی از ببهرگان با اصطلاح مسلمان به دحبرها و ربه گفت ساها بودید که برای کومه لخت و... که توهین بزرگی بود که من شرم می آید این جمله کثیر را بازگو کنم و می گفت تا چند روز از ایمن مساله ناراحت و عصبی بودم. احوال داشت چون با ووهماگ را نشی کثیفترین توهین ها را کرده بودند که شایسته خود آنها بود.

من این نامه را با این جهت می نویسم که مدافع واقعی رنجبران صدای مزایه امام امت و رئیس جمهور محبوب ایران و مردم مبارز و بسا شرف ایران برسانند. در روزنامه تان ببینید که زنان و خواهران ما فاحشه نیستند و برای یک لقمه نان شرف و آبروی خود را نمی فروشند.

ببینید که زنان ما استقلال طلب و آزاده اند، وابسته به هیچ بزرگتری نیستند، زنان ما و خواهران ما شیرزنانی هستند که در زمان طاغوت در صف اول مبارزه بودند و هیچ زور توهینی را قبول نکردند، ببینید که زنان و خواهران ما پیرو حضرت فاطمه (ع) هستند آنها نجیب هستند و برای کومه لخت و... لخت و... نشده اند و برای لجنهایی که فرصت طلبان نه خوشه جنان انقلاب شده اند تره هم خورد نمیکنند و ببینید معلمین شریف کرد ادامه دهندگان راه معلم مبارز دکتر خانعلی هستند و در آخر ببینید که زنان و خواهران ما دبیریا زود جواب آن توهین های که بهمان شده است را با مشت محکم به دهن یک مشت مسلمان ناکه لباس اسلام به تن کرده اند و خود از بهترین نابودکنندگان اسلام و معلمین و بشریت هستند خواهند کوبید و فریاد خواهند زد که راه علی (ع) و فاطمه (ع) با انحصار طلبان فرصت طلب و خواهان قدرت جداست و به آقای مدیر کل کردستان بگوئید که امتحان دادن برای استخدام مجدد یعنی این: الکتند خدا و خلق خدا بر آن نکه میخواهند مردم را به اسلام بدین کنند ولی ایمن فرصت طلبان بدانند که زنان و خواهران ما هشیارند و میدانند که بزرگترین کار فاطمه دختر پیا میر (ع) این بود که گردن بند خود را فروخت و بسا آن بندهای را آزاد کرد.

نه انحصار طلبی، نه قدرت طلبی، زنده باد حکومت عدل علی امضاء کردستان

۲۴ کشور عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (ا.و.سی.دی) که بزرگترین کشورهای صنعتی جهان غرب می باشند در سالهای اخیر با رشد مداوم بحرانهای اقتصادی واجتماعی روبرو بوده اند. افزایش نرخ تورم و بیکاری، بیساریهای مزمن تولید، رشد گرایش استقلال طلبانه در جهان سوم و شدت یافتن تضادهای درونی سیستم جهانی امپریالیسم، همه و همه سرمایه مالی جهانی و کشورهای بزرگ را با چشم اندازی از تیرگی مواجه کرده است.

روسی کشورهای بزرگ از میان این گروه از کشورها که عبارتنند از: ایالات متحده آمریکا، ژاپن، آلمان غربی، انگلستان، فرانسه، ایتالیا و کانادا، هر ساله برای تصمیم گیری و برنامهریزی مشترک جهت مقابله با بحران فزاینده سرمایه داری جهانی گردهم می آیند. آخرین اجلاس روسای کشور در اوایل تیرماه گذشته در ونیز برگزار شد.

مسائل مورد بحث جرده در میان کشورهای عضو و ای.سی.دی و خصوصاً ۷ کشور بزرگ اساساً بر سر تنظیم مناسبات میان ابر قدرت آمریکا با دیگر کشورهای است. آمریکا با استفاده از سلطه و نفوذ خود بر بخش مهمی از جهان به طور مداوم و بیگنرسی در محدود نمودن کشورهای جهان دوم برای حفظ منافع سلطه طلبانه خودارد. در عین حال کشورهای جهان دوم سلطه گراشی آمریکا وضعیهای درونی این کشور را عامل اصلی در سر ریز و بیوزول چپا و لگری امپریالیستی می دانند و خواهان کوتاه شدن سلطه و نفوذ آمریکا بر اروپا برای استقلال عمل بیشتر جهان دوم می باشند.

آمریکا در میان ۷ کشور بزرگ بطور نسبی بیشترین مقدار رکسی موازنه با زرگان را داشت. این کشور توانست در یکی دو سال اخیر با توسل به شیوه های مصنوعی و بطور عمده با اعمال فنار بجهان دوم، بهبود مناسباتی در ترازو زرگانی خود بوجود آورد. ابر قدرت آمریکا با تغییر در تعرفه های گمرکی، مقررات صادرات و واردات و نوسانات دلار و طلا از حجم و ارزش واردات خود از جهان دوم، بخصوص ژاپن که ست و بر ما در آن خود افزود. اما این مسئله در واقع تاثیر اساسی بجای نمی گذارد و چرا که این راه حلها روبه مسلسل مسائل اصلی و ریشه ای پروژ بحرانها نماند. و نمی تواند انداخته باشد، این راه حلها صرفاً با اتخاذ سیاستهای موقت باعث انتقال بحران به دیگر کشورهای امپریالیستی - جهان دوم - می شود و تنها فرجی است از این ستون به آن ستون. بدون شک انتقال این بحرانها باعث تشدید تضادهای در کشورهای جهان دوم و بالا گرفتن میان آمریکا و جهان دوم خواهد شد.

هوانگ وان هوان... از صفحه چهارم

صلح دوست، متحد، مستقل، دمکراتیک و شگوف، آنظوری که رئیس جمهور فقید هوشی مین در زمان حیات خود آرزو داشت، برپا کنند.

دو چیز باید انجام بگیرد

اول، همه با بدبختی به این واقعیت توجه کنند که در خیانت کامل به خط مشی هوشی مین و انقلاب، لهه دوان و شرکا با کمال میل منافع ملی را با خرابی کردن بیگ کشور خارجی فروخته اند و همه شوع شرارت را در صدمه زدن به کشور آوردن بسلا به سر مردم مرتکب شده اند.

مادامکله دوان و شرکا بر مسند قدرت تکیه زده اند، مردم ویتنام تا ابد رنج خواهند برد و هرگز قادر نخواهند بود سرهای خود را راست نگاهدارند. بیایینا چین تنها راه نجات کشور و مردم سرنگونی رژیم فاسد دیکتاتوری لهدوان و شرکا است.

دوم، همه با بدبختی و وضوح با این واقعیت توجه کنند که بمنظور تحریک مردم برای شرکت در جنگ علیه چین، لهدوان و شرکا یک با اصطلاح تلاش چین جهت فحیمه کردن ویتنام را سر هم بندی کرد. در واقع چینی ها همیشه دوستی بین خلق های ویتنام و چین را که توسط صدمه شورشی جمهوری هوشی

نشانی پستی: «رنجبر»: تهران - صندوق پستی ۳۱۲ - ۱۴۰۱ منطقه پستی ۱۵

نگاهی به برنامه اعلان شده دولت آقای رجایی

این برنامه نیست بلکه مقدمه ایست بر برنامه

در عین حال که این برنامه نکات اصولی و رهنمودهای مثبت چندی را در بر دارد، اما اصولاً فاقد خصیله برنامه ای است. میتوان گفت بر نامه نیست و با کمی حک و اصلاح میتواند بصورت نکاتی در مقدمه یک برنامه جدی و فراخور نیاز کشور درآید

بر دارد، اما این خود مشکلات را به همراه خواهد داشت. اولاً این گونه طرحهای عمرانی که جنبه تأثیرات فوری برای حل بحرانهای اقتصادی عاجل را دارند میبایست متمرکز بوده و در حد ممکن با بودجههای کمیتری به پیش رود. در حالی که با شناخت از وضع بودجه کراسی دولتی این بخش عظیم طرح عمرانی علاوه بر حیف و میل مقدار زیادی از منابع اقتصادی کشور نیازمند بودجه کراسی بزرگتری میگردد. ثانیاً آنجا که راجحیت های این رشتهها معین نمیشد، این طرحها در صورت عملی شدن هم معلوم نیست نتایجش به نفع توسعه عمومی اقتصاد کشور درازد و تا اندازه ای در مناطق عقب مانده که معمولاً با کمبود جمعیت نیز روبروست اگر نتایج روشنی برای نیروی کار وجود ندهد، اشتغال با مشکل روبهرو میگردد. از این رو، این برنامه باید حتماً بطور معین و مشخصی صحبت نماید و با لاشعری و شکتهای بیگانه را از گفتمانی راه حل فوری برای مشکل عبود نمی یابند.

پنج نکته تطبیق قوانین اقتصادی کشور بر طبق نظام اسلامی، کمک و حمایت از صنعتگران کوچک، فعال کردن سیستم بانکی در دادن کمک به تولیدکنندگان خرده پیمانها و با تورم از طریق کنترل تولید و توزیع و نظارت بر داد و ستد و با لاشعری ایجا دز مینه کار از طریق طرحهای عمرانی است.

این نکات هر چند در کلیت خود به اهداف و برنامه های مشخص صحیح بوده و میتوانند بحل مشکلات کمک کنند ولی هنوز راه حل مشخص ارائه نمی نماید. بخصوص مناسبات این نکات عمومی بسیار خواستها و مسائل زحمتکشان کشور بطور کلی طرح نیست. بطور خلاصه هرگاه به اصول سوم، بیست و نهم و چهل و سوم قانون اساسی بطور نمونه مراجعه کنیم مشاهده میکنیم که کم و بیش این مسائل در آنجا ذکر شده است.

بعنوان نمونه نکته پنجم رئیس برنامه کوتاه مدت اقتصادی که برای ازمیان برداشتن بیکاری است را در نظر بگیریم. در برنامه گفته میشود "ایجا دز مینه های کار از طریق ایجا دز طرحهای کشاورزی عمرانی، صنعتی و گسترش تعاونها مورد توجه باشد..." این فرمول بندی جوابی است که در بسیاری کشورها در مقابل بیکاری طرح میگردد. اما این فرمول بندی بعنوان جواب راحت ترین و در عین حال بی خاصیت ترین آنهاست. چرا؟

اقتصاد کشور بنا بر قانون اساسی از سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی تشکیل گردیده. بخش دولتی در برگیرنده بخش عمده اصلی بودجه و بکارهای اساسی است. بخش خصوصی و تعاونی در برگیرنده بخش عمده اصلی بودجه و بکارهای اساسی است.

جایانی به هم گره خورده اند. خلاصه اینکه با تکیه بر چند اصل درست نمیتوان خود را از داشتن یک برنامه مشخص مستثنی دانست. ما باید علاوه بر تعیین مناسبات با دوا سیر قدرت امپریالیستی، مناسبات خود با کشورهای اروپایی و مثالهم را نیز معین کنیم، مناسباتی که هم اکنون به هم لحاظ موجودند. در عین حال در جهان سوم نیز همه بجز ویکدست نیستند، کشورهای مسلمان از عربستان سعودی تا کشورهای شمال آفریقا، تا همسایگان ایران و غیره، تا کشورهای متمایل به بلوکها و کشورهای غیر متعهد را در بر میگیرند. در ارتباط با اینها مسائل متعددی چه بلحاظ اقتصادی (تفت و غیره) و چه سیاسی (متعهد و غیر متعهد و غیره) و نکات دیگر وجود دارند.

برنامه های ایران در مجامع بین المللی، در ارتباط با دستهبندیهای نظامی و خطر جنگ سوم جهانی، در ارتباط با خلیج فارس و... همه مسائلی اند که در این برنامه به بیجا دز مینه ها سپرده شده اند و به یقین قابل اغماض نیستند.

بطور خلاصه این برنامه علیرغم داشتن نکات مثبت مهم معهوداً سخت ناکافی و ناقص است و هر آینه که این دولت بخواد بدون تدوین یک برنامه جدی سیاست خارجی مسئولیت امور را در دست گیرد هم خود با مشکلات روبرو میگردد و هم بر مشکلات بین المللی ایران میافزاید.

برنامه اقتصادی

امروز نزدیک به دوسه سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران میگذرد. کشور ما با مشکلات جدی اقتصادی روبروست که هر آینه دولت با خردمندی و درایت کافی و فراهم آوردن شرایط و وسایل لازم سیاسی از میان رفتن آنها نیرو و خطرات جدی مسازا تهدید مینماید.

بر طبق آمار ناقص و تخمینی بیش از یک میلیون نفر بیکارند، نزدیک به یک چهارم رکارخانه به دلایل گوناگون از کار افتاده اند،

دسته ای از آنها بزعم برنامه هسنوز سندی بر توطئه گری شان بدست نیامده که با پیدائست به آنها هوشیار بود و با اینها دولت هیچ همکاری نخواهد داشت و دسته دوم کسانی اند که با دولت برخورد دوگانه و رور در رو دارند که دولت باید سرکوبشان کند.

بدین ترتیب با شناختی که از احزاب و سازمانهای سیاسی کشور داریم میتوان نتیجه گرفت برنامه دولت بجز تعداد کمی از آنها که در درون و با طرف حاکمیت انحصاری نکته اول برنامه قرار میگیرند، بقیه جز و دشمنان بحساب میآیند که دولت باید نسبت به آنها هوشیار باشد تا سندی از آنها بدست آورد و بعد سرکوبشان کند و بیجا محکوم به سرکوب میباشند.

نتیجه این بخش از برنامه از هم اکنون روشن است و آنهم عبارت است از سازمان دادن حرکتی علیه اکثریت احزاب و سازمانهای سیاسی کشور و افزودن بر تشنجات سیاسی. و سرانجام در بند ۶ و ۷ قسمت اول برنامه از تأمین ثبات سیاسی و امنیت صحبت میشود که هرگاه وضع سیاسی مملکت و نکات قبلی را در نظر بگیریم متوجه میگردیم که ایجا دز چنین ثباتی در صورت امکان، جز از طریق اعمال دیکتاتوری عملی نخواهد شد.

بطور خلاصه برنامه سیاستمدان اذی عرضه شده میخواهد برای حاکمیت انحصاری گروهی مشخص کار کند، راه حل از میان برداشتن تعدد مراکز قدرت را خود همین تعدد مراکز قدرت و آزادیهای سیاسی و اجتماعی را دولتی مینماید چند گروه خاص بقیه نیروهای سیاسی کشور را یک دست مشمول سرکوب مینماید، نتایج امنیت و ثبات بوجود نمیآورد، بلکه هرج و مرج و تشنج را دامین زد و بمرسائل خواهد افزود.

سیاست خارجی

بسیار است خرابی در این قسمت از برنامه دولت آقای رجایی نکات برجسته و مثبت چندی وجود دارند که هرگاه این دولت بتواند آنها را بصورت کلی و عام بصورت طرح و نقشه معین و مشخص درآورد هم

آقای رجایی و ترکیب کا بینه او نیز ترکیب یکدست کا بینه و مخالفت رسیده است که ضرورت برخورد بیه آن از هر جهت احساس میشود. امروز کشور ما و انقلاب اسلامی ایران مراحل حساسی را چه در مقابل بله با دشمنان خارجی و عمال داخلی آنها و چه در مقابل بله با مشکلات گوناگون درونی طی میکند. هرگاه مدرست ویا نادرستی که امروز پیدا شده شود، بطور قطع و یقین در سر نوشت کشور و این انقلاب در جریان پیشرفت زمان نقش موثری خواهد داشت.

وظیفه دولت آقای رجایی ویا هر دولتی دیگر که بر سر کار آید، در درجه اول یافتن جوابهای مشخص و برنامه های عملی است که بتواند با ساختن امروز، کشور ما را از دیروز استبداد زده و غارت شده اش جدا کرده و به فر دای مستقل و آزاد و آبادش متصل نماید.

از اینرو اهداف کلی و طرحهای استراتژیک در عین حال که باید بر توافقی برنامه مکتوبی باشد، اما نمیتواند و نباید که خود جای برنامه مشخص را بگیرد. دولت در عین حال که باید برنامه مشخص را با برنامه دراز مدت درهم آمیزد، اما وظیفه هر دولتی جوابگویی به مسائل معین دوره ایست که مسئولیت دارد. در عین حال که این برنامه نمیتواند و نباید که از راههای دراز مدت جدا افتاده و یک برنامه ریز بروز باشد. امروز کشور ما در چهار زمینه اساسی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی با مشکلات بزرگ و کوچک متعددی روبروست که هنر و توانایی و پیگیری هر دولتی را در مقابل بله با آنها میتوان سنجید. قصد ما در این جا برخورد به یک بیک با این طرح برنامه دولت آقای رجایی نیست، بلکه بطور کلی نکات مثبت و منفی و نتیجه گیری کلی از آن را نشان میدهم تا کمی به طرح برنامه مورد نیاز باشد.

تعداد مراکز قدرت

نکته بعدی راه حل برنامه دولت آقای رجایی برای ازمیان برداشتن تعدد مراکز قدرت تشکیل میدهد. در نکته ۳ برنامه سیاسی گفته میشود: "تعدد مراکز قدرت در جامعه پس از انقلاب ناشی از تسلط حاکمیت جبهه ای بود. با استقرار حاکمیت مکتوب بر کلیه قوای سه گانه و نهاد های انقلابی زیر نظارتی فقیه دیگر تعدد مراکز قدرت وجود نخواهد داشت."

ایا این تحلیل درست است؟ مگر مراکز متعدد قدرت، مراکز قدرت خود را بحول چه چیزی برپا نموده اند؟ مگر همه آنها خود را محکمترین حاکمیت های مکتوب و صاف قدرترین سرباز خط امام نمیدانند؟ مگر باقی شناختی که موجود است، مراکز متعدد قدرت همگی شان از یک گروه خاص سیاسی منشأ نگرفته اند که فکر کنیم با حاکمیت آن گروه همه اینها یکدست خواهند شد. و همگی نیز درست زیر پرچم مبارزه برای حاکمیت مکتوب و دفاع از آن عمل خواهند نمود. در همین هرج و مرج موجود در کشور کدام یک از مراجع رسمی کشور را سراغ دارید که فلان اشغال بهمان جا توسط یک گروه غیر "مکتبی" را حتی برای یک لحظه تحمل می کرد و حکم به سرکوب چندی آنها نمیداد؟ اینکه این مراکز متعدد قدرت موجودند و عمل میکنند درست بدلیل پرچم "مکتبی" آنهاست که دامنه یافته و نه چیز دیگری. بنا بر این برنامه دولت هیچگونه راه حلی برای ازمیان برداشتن مراکز متعدد قدرت ارائه نشده هیچ، خود ادا شده

برنامه سیاسی

در این زمینه با دودسته مسایل در زمینه داخلی و بین المللی روبرو هستیم.

الف: مسائل سیاسی داخلی شامل نکاتی هستند مانند توسعه

نظری بنظری که احساس عدم امنیت روز افزون می‌گردد، حاکمیت مراکز قدرت متعدد بجای حاکمیت قانون اساسی کشور، توده‌خواهی در حرف و انحصاری کردن نهادهای گوناگون جامعه در عمل، وجود کانونهای تشنج دائمی تا حد درگیریهای مسلحانه در یکسری نقاط کشور و وجود برخی اقدامات و سیاستها و اعمال قدرت حاکمه که این تشنج‌ها را شدیدتر می‌کند... بطور خلاصه میتوان گفت مهمترین و مرکزی ترین نکته در مسایل سیاسی داخلی، تشدید تضاد های گوناگون سیاسی در درون توده های خلق و میان نیروهای سیاسی کشور بجای کاهش آنها و بوجود آمدن وحدت روز افزون تحت یک نظم انقلابی است.

ارجحیت اول برنا مدرست در زمینه سیاست داخلی با توجه به وضع مشخص کشورنا چارایا به متوجه حل این مشکل حیاتی باشد. زیرا این هم شرط جامعه عمل پوشاندن به بقیه کارها و هم شرط اول مقابله با تهدیدات جدی دوا بر قدرت آمریکا و شوروی است. با فشاری حزب مسا بر اتحاد بزرگ ملی و بروحدت همه ملت و همه نیروهای استقلال طلب و آزادیخواه علاوه بر تحلیل عمومی از وضع کشور از این امر نیز نشأت گرفته است. اما آیا برنا ما علام شده دولت آقای رجایی پاسخ درستی به این مسئله میدهد؟

حاکمیت انحصاری مومنین به مکتب

نکته اول برنا ما به فوق الذکر لزوم حاکمیت انحصاری مومنین به مکتب میباشد، این نکته تا جایی که بیان مضمون بخشهایی از قانون اساسی است، اصولا جنبه برنا مدای آنهم برای دولت را ندارد. هم به لحاظ یک حقیقت عام که حاکمیت هر جامعه در دست طبقه یا قشر حاکم است و هم بلحاظ قانون اساسی ایران.

اما اکنون در وضع مشخص جامعه ما در درجه اول میان کسانی که خود را مومن به مکتب اسلام دانسته و در سطوح مختلف حاکمیت قرار دارند مبارزه شدیدی برقرار است که هر کدام صلاحیت دیگری را از این لحاظ زیر سؤال میکنند. بنا بر این هنگامیکه آقای رجایی در برنا ما خود را برای کند "حاکمیت جامعه ایران" مکتب حکومت میکند باید در انحصار مومنین به آن مکتب باشد. نتیجه ای بجز اینکه این دولت حاکمیت یکی از دسته های مومن به مکتب را در دستور کار خود قرار داد، مستغنا نمیشود. شایه ها برای این ادعا نیز جدال سیاسی بزرگی است که بر سر انتخاب خود

و بلاخره آنجا که برای ما هنگی قوای سه گانه گفته میشود که "دولت در جهت حفظ هما هنگی بین قوای سه گانه" خواهد کوشید، باید تذکر داد که بر طبق اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی این امر از وظایف رئیس جمهوری بوده. ربطی به کار هیئت دولت و برنا ما ندارد.

آزادیهای سیاسی و اجتماعی

اما برنا ما دولت در مورد آزادیهای سیاسی و اجتماعی و احزاب و سازمانهای سیاسی که فعلا قدم به قدم توسط مراکز متعدد قدرت موجودیت قانونی شان تهدید شده و محدودتر می گردند، در برنا ما دولت گفته میشود:

"در جمهوری اسلامی آزادیهای سیاسی و اجتماعی تا حدی که به قوانین اسلام و اساس نظام جمهوری اسلامی لطمه نزنند، مورد احترام است".

تا اینجا کم و بیش تکرار اصول ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷ قانون اساسی است. اما برنا ما دولت بلافاصله اضافه میکنند این آزادی را چوب یک حکومت مکتبی، اسلامی بوده و نه با عبادهای دمکراسی غربی و دیکتاتوری شرقی.

مسئله احزاب و سازمانهای سیاسی

سرانجام به مسئله احزاب و سازمانهای سیاسی میرسیم، این برنا ما آنها را به چهار دسته تقسیم کرده است: دودسته اول را مسلمانان پشتیبان انقلاب مینامد که به زعم برنا ما باید در خط همه جا نبه اما به ویدیرش ولایت فقیه را اساس حرکت خود قرار دادند و با در خط همه جا نبه امام نبوده و عملا به ولایت فقیه متعهد نیستند. اینها را برنا ما به دوستان و نزدیکانی می نامد که به دسته اول کارهای کلیدی و به دسته دوم مواقع غیر کلیدی را میدهند و بدان طریق با آنها همکاری میکنند. دودسته دوم را با برغم برنا ما احزاب و سازمانهای تشکیل میدهند که بهر حال ضد انقلاب اند، منتها

هم میتوان نمود نمونه خوبی برای بسیاری از کشورهای جهان سوم قرار گیرد.

استقلال طلبی

نکاتی مانند "اتکاء به اصل مخالفت با" شروع موازنه مثبت در سیاست خارجی و همچنین مخالفت با سازش با یک ابر قدرت برای مبارزه با ابر قدرت و با قدرت طاغوتی دیگر است. اصول برجستهای میباشد که هرگاه بسط برنا ما های مشخص تبدیل گردند تا شیرزادی در حفظ و تحکیم استقلال کشور خواهد داشت. همچنین این نکته برنا ما که دولت مرکز ثقل فعالیت دیپلماتیک خود را به کشورهای جهان سوم در سه قاره منتقل مینماید نیز نکته های مهم و گامی مشخص به جلواست حمایت از مبارزه نهضت های آزادیبخش نیز یک نکته برنا ما می مورده توافق همه نیروهای آزادیخواه میباشد. همینطور مبارزه علیه صهیونیسم برای آزادی سرزمین قدس. البته در اینجا باید پرسید که چرا در این برنا ما مبارزه علیه صهیونیسم و مبارزه برای آزادی سرزمین قدس از سازمان آزادیبخش فلسطین و نهفت فلسطین و عمومی تر مبارزه اعراب علیه اشغالگران صهیونیستی جدا شده است؟

مناسبات با دیگران

اما علیرغم نکات مثبت این برنا ما، برنا ما سیاست خارجی ما نمیتواند به همین جا ختمه یابد. خصوصا که هم بدلیل خصومت امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی با کشورهای انقلاب ما و هم یکسری ندانکارها ما با مشکلات متعددی در سطح بین المللی روبرو هستیم. این مشکلات چه توسط وزیر خارجه کنونی کشور و چه دیگر اشخاصی این مورد سطح وسیع در رسانه های عمومی با اطلاع مردم رسیده است.

ما کشوری را در دنیا سراغ نداریم که در دنیا کنونی نیا زنده داشتن روابط گسترده بین المللی نباشد. آنهم در اوضاع سخت متشنجی که جهان را بسوی یک جنگ جهانی جدیدی سوق میدهد و همه در جستجوی یافتن دوستان واقعی، متحدین موقتی، و حتی نا پایدار و متزلزل میباشند. علاوه بر اینها از نقطه نظر نیازهای اجتماعی نا پذیر اقتصادی کشورمان، نیز ایمن روابط ضروری و حتمی اند. خصوصا که کشور ما از نظر موقعیت جغرافیای سیاسی اش در نقطه ای از جهان قرار گرفته که منافع متضاد دو گوناگون

صعودی را طی میکند، کمبود یکسری کالا های مورد نیاز مردم، کمبود مواد اولیه کارخانجات و کاهش بازدهی آنها و غیره همه مسائل اند که مردم کشور و به خصوص زحمتکشان ایران را سخت مجبور فشار قرار داده است.

علاوه بر همه اینها کشور برنا ما مشکلات جدی مالی نیز روبرو میباشد. از درآمد تخمینی ۱۸۴ میلیارد تومان نفت برای سال ۱۳۵۹ تنها ۱۵۴ میلیارد آن بدست میاید و این امر چه در تولید ناخالص ملی، چه در مربوطه کشور و در نتیجه مسائلی که بدنبال آن میباشد تا ثیرات جدی بجای میگذارد. همچنین بعلت بعضی اقدامات تحریمی دول امپریالیستی و بعضی کالاهای سرمایه ای و واسطه ای و مصرفی مورد نیاز کشور بدست نمیاید و قیمت های وارداتی آنها روز بروز بالاتر میرود. در حالیکه بعلت ورشکستگی دلار و همچنین شناوری دیگر ارزهای بین المللی مقدار حقیقی درآمد نفت هم مقدار بسیار کمی با کالاهای مورد نیاز کشور کارهای می یابد.

در زمینه کشاورزی نیز هر چند با تشویق اما کمین و هم مشکلات کشاورزان ایران سطح زیر کشت و مقدار تولید کشاورزی بالاتر رفته لیکن جمع آوری محصولات و خرید آن اجزای دولت بر طبق گزارش بانک مرکزی با مشکلات روبروست.

برنامه معین

بدین صورت ملاحظه میکنیم کشور ما علاوه بر اهداف درآمدت اقتصادی و در مرکز آن خودکفایی و استقلال اقتصادی با یکسری مسائل فوری و جدی اقتصادی روبروست که برنا ما هر دولتی باید پاسخگوی آنها باشد. در کار برنا ما ریزی حتی اگر از مکتبی معین حرکت کنیم، مکتبی که سرچشمه ای اینها باشد (هر چه که باشد)، هرگز خود مکتب را نمیتوان جا نشین جوابهای مشخص نمود. برای رفع بیکاری باید کار بوجود آورد. گرانی را با کنترل و کاهش قیمتها میتوان جواب داد و باید دیدشان را چگونه و چرا و قس علیهذا.

برنا ما اقتضای دولت آقای رجایی از سه بخش اهداف برنا ما اقتصاد، و با لایحه رتوس برنا ما صنعتی و کشاورزی بطور کلی تشکیل شده است.

اهداف این برنا ما در نکته قطع وابستگی و رسیدن به خودکفایی، و توزیع عادلانه ثروت برنا ما کوتاه مدت اقتصادی

از منابع بزرگ و تمام می صنایع کوچک و بخش اعظم کشاورزی بخش قابل توجه کشاورزی و خدمات است و بلاخره تمام و ششها مسائل بخش بسیار کوچکی از منابع، کشاورزی و خدمات میگردد.

حال این ایجا در جاهای کار ساز در کدام بخش تمرکزی یابد؟ چه کسی به چه کسی سرمایه این طرحها را خواهد داد؟ بنا بر نیازهای کشور این طرحها در چه ترتیبی از اقتصاد تمرکز میشود؟ چه درصدی از بودجه عمرانی و در چه صورتی برای این منظور اختصاص مییابد؟ و بلاخره خیل عظیم بیکاران که با توجه به جریان با کسب ازها دائما بر تعدادشان افزوده میگردد تا شروع این طرحها و بازدهی آن چه بایا نجام دهند؟

از جوابهایی که در قسمت رتوس برنا ما داده شده و میتوان برای پاسخ باین سئوالها انتخاب نمود چنین نتایجی حاصل میشود:

- ۱- دولت از طریق بانکها بودجه این طرحها فراهم میسازد.
- ۲- تمرکز توسعه این طرحها در بخش خصوصی و بویژه در میان تولیدکنندگان خرده یا صنایع کوچک است.
- ۳- تمرکز این طرحها در مناطق عقب مانده و روستاهاست.
- ۴- واحدهای تولیدی نیمه تمام که مورد نیاز است را باید بر راه انداخت.
- ۵- و بلاخره سئوالاتی چون رشته تمرکز این طرحها، درآمد بودجه عمرانی و مدت زمان راه حل بیکاری از حالا تا با زده می این طرحها جوابی ندارند.

بنا بر این هر چند که این برنا ما بتواند به گامی ریخی از اقتصاد کمک کند و در صورت عملی شدن آن مقداری از بیکاری را از میان

رنگین
ارگان حزب رنگین ایران
محل اجتماع و سردیس: تهران - صدفی
مسئول: علی حجت

با زمینکنند و کارگران را به بنام این سهم شدن ندارند. این عمل کاری بجز اختلاف انداختن میان کارگران که چند سهم بدست میا و رند و آنها بی که بدرجه مالکیت و سهامداری ناائل نمیشوند، نیست. ما دیگر وارد بحث برنا ما کشاورزی نمیگردیم زیرا کم و بیش دارای همین اشکالات جدی است. سرانجام در حالیکه در زمینه فرهنگی و نظامی و بخصوص پس از طرح انقلاب فرهنگی و بسته شدن و تعطیل رسمی مراکز آموزش عالی کشور با مسئله ای جدی که میتواند در ضررهای دراز مدت زیاده بار آورد، روبروست. برنا ما عبارت برداری های کلی دارایی یک برنا ما معین و مشخص نمیشود. بنا بر این با همین بررسی کلی و خلاصه در باره برنا ما دولت آقای رجایی متوجه میگردیم که در عین حال که این برنا ما نکات اصولی و رهنمودی مثبت چندی را در بردارد، اما اصولا فاقد خلعت برنا ما ایست و نمیتوان گفت برنا ما نیست و با کمی حکم و اصلاح میتواند بصورت نکاتی در مقدمه یک برنا ما جدی که فراخور نیاز کشور باشد قرار گیرد.

بدین ترتیب در صورت چنین چیزی بعنوان برنا ما دولت باید بدین نتیجه برسیم که دولت فاقد برنا ما ایست که بتواند با مشکلات و معضلات کشورها و ردی کند و در آینده راهش را البته به آن صورت که توانایی و خواسته هایش اجازت میدهد. از طریق آزمایش و خطا با نخواهد کرد. نتیجه چنین وضعی بگذا خواهد کشید و البته خود زمان روشنتر از هر دلیل نشان خواهد داد. اما از هم اکنون میتوان گفت با این برنا ما ما گامی بجلو نبر نخواهیم داشت و در بهترین حالت وضع حاضر را حفظ خواهیم کرد.

ما را در رفع مشکلات مالی یاری رسانید
کمکهای خود را به حساب بانکی زیر واریز نمائید:
بانک ملی ایران - تهران - شعبه خیابان ایران شهر
شماره حساب ۳۵۳۶۸

رنگین
ارگان حزب رنگین ایران
محل اجتماع و سردیس: تهران - صدفی
مسئول: علی حجت